

نگاهی به مبانی تشکیل منطقه پولی مشترک در جهان: مزیت‌ها و محدودیت‌ها و چشم‌انداز پیش‌روی ایران

رویا عاطفی منش

کارشناس ارشد اقتصاد
ro_atef@yahoo.com

ایران با اغلب کشورهای منطقه، تورم بالای کشور، ماهیت متفاوت شوک‌ها و ناهمزمانی سیکل‌های تجاری، عضویت ایران در یک منطقه مشترک پولی احتمالاً دور از انتظار خواهد بود. تحت چنین شرایطی با توجه به تجربه اقتصادی دیگر اتحادیه‌های پولی جهان، حتی در صورت به‌وجود آمدن عزم سیاسی در ایران و دیگر کشورهای منطقه برای تشکیل چنین منطقه پولی مشترکی، عدم وجود الزامات اقتصادی مورد نیاز در کنار غلبه ملاحظات سیاسی بر ملاحظات اقتصادی می‌تواند تشکیل یا ادامه حیات آن را متوقف یا با مشکلات جدی عدیدهای مواجه سازد.

مقدمه

همان‌طور که میشل کامدسو [۱] می‌گوید «در بلندمدت ما به سمت دنیایی حرکت خواهیم کرد که در آن شاهد تعداد کمتری از پول‌های رایج باشیم». از این منظر تشکیل اتحادیه‌های پولی یک روند بین‌المللی تلقی می‌شود که هیچ کشوری نمی‌تواند در

منطقه پولی مشترک / اتحادیه پولی / پول واحد.

چکیده

این مقاله به بررسی مبانی اقتصادی تشکیل منطقه پولی مشترک و تجربه آن در جهان می‌پردازد. در مطالعه انجام شده مهم‌ترین معیارهای تشکیل منطقه پولی مشترک بر اساس دیدگاه‌های سنتی و مدرن معرفی، منافع و مضار پیوستن به یک منطقه پولی مشترک به جهت نظری بررسی و برخی ملاحظات تجربی مناطق پولی مشترک در جهان مد نظر قرار گرفته است. در بخش بعدی آن نیز معیارهای تشکیل منطقه پولی مشترک در ایران و کشورهای منطقه مقایسه شده است. مقایسه این شاخص‌ها نشان می‌دهد که اساساً در میان مدت به دلتالی چون پائین بودن تحرک نیروی کار و سرمایه، درجه پائین باز بودن اقتصاد ملی، فقدان تنوع در محصولات منطقه، محدود بودن میزان تجارت درون منطقه‌ای، میزان پائین همبستگی درآمد

حال تشکیل هستند؟ الزامات و تبعات پیوستن به این اتحادیه پولی چیست؟ و نهایتاً اینکه چشم انداز پیوستن ایران به یک اتحادیه پولی چگونه است؟

۱. مبانی نظری منطقه پولی مشترک

ماندل (۱۹۶۱) [۴] نخستین کسی بود که عبارت "منطقه بهینه پولی" را به کار گرفت. همچنین این اولین باری بود که کسی اشاره کرد که منطقه پولی، منطقه‌ای است که ضرورت ندارد، مرزهایش با مرزهای سیاسی منطبق باشد. نظریه منطقه بهینه پولی به تدریج در دو قلمرو نظریه‌های سنتی و جدید بسط یافت. تفاوت بین دیدگاه جدید و سنتی آن است که سنت‌گرایان بیشتر بر هزینه‌های بالقوه تشکیل اتحادیه پولی تأکید می‌کنند، این در حالی است که در نقطه مقابل دیدگاه جدید به منافع منطقه بهینه پولی می‌پردازد.

۱-۱. معیارهای منطقه بهینه پولی در نظریه‌های سنتی

معیارهای منطقه بهینه پولی در نظریه‌های سنتی شامل میزان تحرک عوامل به‌ویژه تحرک نیروی کار و انعطاف‌پذیری دستمزد و قیمت، میزان تحرک جغرافیایی عوامل تولید بین مناطق و صنایع مختلف، درجه باز بودن اقتصادی، میزان تنوع محصولات تولیدی در اقتصاد، تفاوت بین تورم و دستمزد بین اعضای بالقوه، شوک‌های متقارن و میزان یکپارچگی مالی منطقه هستند.

۱-۱-۱. میزان تحرک عوامل به‌ویژه تحرک نیروی کار و انعطاف‌پذیری دستمزد و قیمت

ماندل (۱۹۶۱) بر تحرک عوامل به‌ویژه تحرک نیروی کار، به عنوان یک عامل کلیدی در تشکیل منطقه بهینه پولی تأکید کرد [۵] و عنوان نمود که اگر در یک منطقه درجه بالایی از تحرک نیروی کار و انعطاف‌پذیری دستمزد و قیمت وجود داشته باشد، آن منطقه می‌بایستی در داخل مرزهایش نرخ ارز ثابت داشته باشد و در رابطه با سایر نقاط جهان نرخ ارزش انعطاف‌پذیر باشد.

مسیر گذار خود به آینده از آن غفلت کند. تا آنجا که به تجربه تشکیل اتحادیه‌های پولی در جهان مربوط می‌شود، بخش عمده‌ای از محرک‌های تشکیل یک اتحادیه پولی سیاسی هستند و نه اقتصادی و بسیاری از صاحب‌نظران اساساً تشکیل یک اتحادیه پولی را گامی برای افزایش یکپارچگی سیاسی می‌دانند که کاملاً متفاوت از اثرات و پیامدهای اقتصادی آن است. در عمل شکل‌گیری اتحادیه پولی در اروپا نیز یک فرآیند تدریجی سیاسی بوده است [۲].

با این حال این نکته نیز غیرقابل انکار است که دلائل اقتصادی نقش بسیار مهمی در فرایند تشکیل و ادامه حیات یک اتحادیه پولی ایفا کرده و می‌کنند. پول‌های بین‌المللی تا حد بسیار زیادی امکان‌ناپذیر با یکدیگر را دارند و این امر برای همکاری‌های بین‌المللی فوایدی در بر دارد. طرفداران این ایده استدلال می‌کنند که می‌بایست همکاری سیاست‌های اقتصاد کلان به صورت منطقه‌ای و حتی بین‌المللی صورت پذیرد تا نرخ‌های ارز ثابت میان کشورها قابل دسترسی باشد. در ادبیات اقتصادی، مناطقی در جهان که از ظرفیت مناسبی برای استفاده از نرخ‌های ارز ثابت برخوردار هستند، منطقه بهینه پولی [۳] نامیده می‌شوند. مفهوم منطقه بهینه پولی اولین بار در سال ۱۹۶۱ میلادی توسط ماندل مطرح شد. او تلاش کرد تا به این سوال پاسخ دهد که چه موقع کشورها باید پول رایج خودشان را داشته باشند و در غیر این صورت قلمرو مناسب منطقه پولی مشترک برای کشورها چیست. اگرچه در آن زمان، این سوال بیشتر یک سوال علمی بود، زیرا تصور این امر بسیار دشوار می‌نمود که پول ملی یک کشور به نفع رژیم ارزی دیگری حذف شود. اما از زمانی که اتحادیه اروپا شروع به استفاده از فرایند اتحادیه پولی نموده، ادبیات اقتصادی مربوط به منطقه بهینه پولی بسط و توسعه قابل توجهی یافته است.

این مقاله ضمن تشریح ابعاد "نظریه منطقه بهینه پولی" تلاش می‌کند عمدتاً با رویکردی اقتصادی روشن کند که چه معیارهایی برای پیوستن به یک اتحادیه پولی وجود دارد؟ اتحادیه‌های پولی چه منافع و هزینه‌هایی را متوجه کشورهای عضو می‌کنند؟ چه اتحادیه‌های پولی در دنیا تجربه شده یا در

در این رابطه ماندل می‌گوید "منطقه بهینه پولی دنیا نیست". به علاوه اگر تقاضا برای محصولات منطقه A به سمت منطقه B منتقل شود و قیمت و دستمزد در هر دو منطقه انعطاف‌ناپذیر باشد، این امر موجب فشارهای تورمی بر منطقه B و بروز بیکاری در منطقه A خواهد شد. اگر این دو منطقه نرخ ارز ثابت داشته باشند، ناگزیر به مکانیزم تعدیل دیگری نیاز خواهد بود تا تعادل را مجدداً برگرداند. از این رو ماندل تحرک نیروی کار را به عنوان عاملی که ممکن است بتواند مجدداً تعادل تراز پرداخت‌ها را برگرداند، مورد تاکید قرار داد. او عنوان کرد که اگر نیروی کار تحرک بالایی داشته باشد، نیروی کار از منطقه A به B حرکت خواهد کرد و بیکاری یا فشار تورمی بیشتری وجود نخواهد داشت. این دو کشور دیگر نیازی به داشتن نرخ ارز خودشان ندارند و یک سیاست پولی مشترک برای هر دوی آنها رضایت بخش خواهد بود [۶].

۱-۱-۲. میزان تحرک جغرافیایی عوامل تولید بین مناطق و صنایع مختلف

مک کینون (۱۹۶۳) [۷]، بین تحرک عوامل تولید با دو مفهوم متفاوت تمایز قائل شد. از نظر او دو نوع تحرک جغرافیایی عوامل تولید بین مناطق مختلف (که مورد نظر ماندل بود) و تحرک عوامل تولید بین صنایع مختلف وجود دارد [۸]. وی همانطور که ماندل نتیجه گرفته بود، نتیجه گرفت که اگر تحرک عوامل تولید بین مناطق وجود داشته باشد، آن مناطق باید منطقه مشترک پولی را تشکیل دهند [۹]. چند سال بعد کنن (۱۹۶۹) [۱۰] به دیدگاه تحرک عوامل تولید عمق بخشید. او اشاره کرد که وقتی مناطق مختلف بر حسب فعالیتشان تعریف می‌شوند - نه عوامل جغرافیایی یا سیاسی - تحرک کامل نیروی کار بین این مناطق نیازمند تحرک کامل شغلی است و این امر تنها زمانی رخ می‌دهد که نیروی کار همگن باشد (یا چند منطقه‌ای که پول واحد دارند، مهارت‌های شغلی بسیار مشابهی را از خود بروز دهند) در نتیجه، رویکرد ماندل منجر به حقیقت تلخی می‌شود که منطقه پولی می‌بایست کوچک باشد [۱۱]. در واقع حد و مرز این منطقه به یک منطقه تک محصولی محدود می‌شود.

۳-۱-۱. درجه باز بودن اقتصادی

ماندل (۱۹۶۳) درجه باز بودن اقتصاد را به عنوان یک عامل کلیدی در تشکیل منطقه بهینه پولی مد نظر قرار داد. او استدلال کرد که هر چه اقتصاد بازتر باشد، دلایل بیشتری برای داشتن نرخ ارز ثابت قابل اقامه است و هر چه اقتصادی بسته‌تر باشد، نرخ ارز انعطاف‌پذیر مفیدتر خواهد بود. دلیل آن این است که وقتی درجه باز بودن در اقتصاد بالاست، احتمال اینکه اثر تغییر قیمت‌های خارجی کالاهای قابل مبادله به هزینه‌های داخلی زندگی منتقل شود، بیشتر است. این اثر سبب کاهش توهم پولی می‌شود، تا آنجا که قراردادهای دستمزد و همچنین قیمت‌ها، شدیداً تحت تاثیر نرخ ارز قرار خواهد گرفت. بنابر این تغییر در نرخ ارزی که موجب تعدیل در چنین متغیرهایی بشود، به‌طور ضمنی بر این امر دلالت می‌کند که از نقطه نظر تاثیر بر متغیرهای تجاری، کارایی کمتری داشته و به عنوان یک مکانیزم تعدیل کمتر می‌تواند مفید باشد. به همین دلیل یک اقتصاد کوچک باز، پیوستن به یک منطقه پولی مشترک بزرگتر را سودمند خواهد یافت [۱۲]. به منظور حل مشکل ترازپرداخت‌ها در اقتصادهایی با نسبت بالای کالاهای قابل مبادله به غیرقابل مبادله، مک کینون پیشنهاد می‌کند که آن اقتصادها به ابزارهای جایگزین نرخ ارز برای مثال سیاست‌های مالی تکیه کنند [۱۳].

۴-۱-۱. میزان تنوع محصولات تولیدی در اقتصاد

کنن (۱۹۶۹) نوع محصولات را به عنوان یک معیار مهم در تشکیل منطقه بهینه پولی معرفی کرد. وی استدلال کرد اقتصادهایی که از تنوع تولیدات خوبی برخوردار است، بخش صادراتی متنوعی نیز دارد و هر یک از صنایع آن اقتصاد، تحت تاثیر گونه‌های متفاوتی از شوک‌ها قرار دارند. از این رو اگر آن شوک‌ها ناهمبسته باشند، شوک مثبت در یک صنعت و شوک منفی در صنعت دیگر منجر به خنثی شدن اثر شوک‌ها بر کل صادرات خواهد شد و چنین شرایطی صادرات را باثبات‌تر می‌کند. (هرچند می‌بایست تحرک شغلی لازم برای جذب نیروی بیکار و تحرک سرمایه وجود داشته باشد [۱۴]). بنابراین به اعتقاد کنن اقتصادهایی که به اندازه کافی از تنوع تولید برخوردارند، می‌توانند

متحمل هزینه‌های کمی برای رها کردن پول ملی خود شوند و از یک پول واحد سود ببرند. با این حال، اقتصادهای متنوع معمولاً اقتصادهای بزرگی هستند که خودکفاتر از اقتصادهای کوچک هستند و به این ترتیب بخش صادراتی کوچکتری دارند. همچنین از آنجا که بخش صادراتی آنها کوچکتر است، تغییر در نرخ ارز روی بخش کوچکی از اقتصاد آنها تاثیر می‌گذارد و نهایتاً اثر کلی کمتری را ایجاد خواهد کرد. بنابراین می‌توان گفت که اقتصادهای کوچکتر که تنوع محصولات کمتری دارند، بایستی بازتر باشند تا بتوانند کالاهای مورد نیازشان را وارد کنند و برای تامین پول مورد نیاز وارداتشان، کالا صادر کنند.

۱-۱-۵. تفاوت تورم و دستمزد در کشورهای منطقه

گوردون (۱۹۷۲) [۱۵] اشاره می‌کند که اگر کشورهایی که قصد پیوستن به یک منطقه بهینه پولی را دارند، ترجیحات تورمی متفاوتی داشته باشند، تشکیل منطقه مشترک پولی می‌تواند پرهزینه باشد [۱۶]. ایشیاما (۱۹۷۵) [۱۷] نیز تفاوت نرخ تورم و

دستمزد میان کشورهای تشکیل‌دهنده منطقه مشترک پولی را که منجر به ترجیحات اجتماعی متفاوتی می‌شود، مورد بررسی قرار داد [۱۸].

۱-۱-۶. تقارن شوک‌ها و میزان یکپارچگی مالی

در ادبیات سنتی منطقه بهینه پولی، شوک‌های متقارن به عنوان پیش‌نیازی جهت ثبات و پایداری منطقه بهینه پولی تلقی شده است، کتن (۱۹۶۹) به این نکته مهم اشاره کرد که اگر شوک‌های مختلفی به منطقه پولی مشترکی آسیب بزنند، یکپارچگی مالی بین مناطق، می‌تواند این اثر را از طریق انتقالات مالی بین مناطق کاهش دهد. ماندل (۱۹۷۳) نیز استدلال کرد که اگر منطقه مشترک پولی به لحاظ مالی یکپارچه شود، شوک‌های متقارن درون آن منطقه، دیگر پیش‌شرطی الزامی برای تشکیل منطقه بهینه پولی محسوب نمی‌شوند. معیارهای پیوستن یا تشکیل یک منطقه بهینه پولی در نظریه‌های سنتی به‌طور خلاصه در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱- معیارهای پیوستن یا تشکیل یک منطقه بهینه پولی در نظریه‌های سنتی

معیار	ملاحظات نظری مورد تاکید	نظریه پردازان
میزان تحرک عوامل به‌ویژه تحرک نیروی کار و انعطاف‌پذیری دستمزد و قیمت	- اگر در یک منطقه درجه بالایی از تحرک نیروی کار و انعطاف‌پذیری دستمزد و قیمت وجود داشته باشد آن منطقه می‌بایستی در داخل مرزهایش نرخ ارز ثابت داشته باشد و در رابطه با سایر نقاط جهان نرخ ارزش انعطاف‌پذیر باشد.	ماندل (۱۹۶۱) گوردون (۱۹۷۲)
میزان تحرک جغرافیایی عوامل تولید بین مناطق و صنایع مختلف	- دشوار است بین عدم تحرک جغرافیایی و میان صنعتی [۱۹] تمایز قائل شد. - تحرک کامل نیروی کار بین این مناطق نیازمند تحرک کامل شغلی است و این امر تنها زمانی رخ می‌دهد که نیروی کار همگن باشد.	مک کینون (۱۹۶۳) کتن (۱۹۶۹)
درجه باز بودن اقتصادی	- درجه باز بودن اقتصاد یک عامل کلیدی در تشکیل منطقه بهینه پولی است. - هر چه اقتصاد بازتر باشد، دلائل بیشتری برای داشتن نرخ ارز ثابت و تشکیل منطقه پولی قابل اقامه است	ماندل (۱۹۶۳)
میزان تنوع محصولات تولیدی در اقتصاد	- اقتصادهایی که به اندازه کافی از تنوع تولید برخوردارند می‌توانند متحمل هزینه کمی برای رها کردن پول ملی خود شوند و برای تشکیل منطقه بهینه پولی مساعدتر هستند.	کتن (۱۹۶۹)
تفاوت تورم و دستمزد در کشورهای منطقه	- اگر کشورها ترجیحات تورمی متفاوتی داشته باشند، تشکیل منطقه مشترک پولی می‌تواند پرهزینه باشد.	گوردون (۱۹۷۲) ایشیاما (۱۹۷۵)
تقارن شوک‌ها و میزان یکپارچگی مالی	- در ادبیات سنتی منطقه بهینه پولی شوک‌های متقارن به عنوان پیش‌نیازی جهت ثبات و پایداری منطقه بهینه پولی تلقی شده است - یکپارچگی مالی بین مناطق می‌تواند آسیب‌رسانی شوک‌ها را از طریق انتقالات مالی بین مناطق کاهش دهد.	ماندل (۱۹۷۳) کتن (۱۹۶۹)

ماخذ: نتایج تحقیق

۱-۲. معیارهای منطقه بهینه پولی در نظریه‌های جدید

نظریه‌های جدید منطقه بهینه پولی با تولد اتحادیه پولی اروپا در دهه ۱۹۹۰ بسط یافت [۲۰]، به‌طوریکه دی گراو (۱۹۹۲) [۲۱] این پیشرفت‌های نظری جدید را "نظریه جدید منطقه پولی" نامید. معیارهای منطقه بهینه پولی در نظریه‌های جدید شامل میزان میزان تجارت و همبستگی درآمد، همزمانی سیکل‌های تجاری، تفاوت در نهادهای بازار کار، ویژگی شوک‌ها و عوامل سیاسی هستند.

۱-۲-۱. میزان تجارت و همبستگی درآمد

فرانکل و رز (۱۹۹۷) [۲۲] نشان دادند که اگر کشورها با یکدیگر زیاد تجارت کنند و یا همبستگی درآمد بالایی داشته باشند، احتمالاً آنها تشکیل یک اتحادیه پولی را سودمند خواهند یافت. همچنین آنها به این نکته اشاره کردند که از آنجا که همبستگی ادوار تجاری بین کشورها به یکپارچگی تجاری آنها بستگی دارد، امکان ندارد که بتوان باز بودن (درجه ادغام) و همبستگی درآمد را به‌صورت جدا از هم مد نظر قرار داد. فرانکل (۱۹۹۹) همچنین نشان داد که معیارهای منطقه بهینه پولی درونزا هستند و این بدان معناست که برخی پارامترها چون باز بودن و همبستگی درآمد لایتغیر نیستند و می‌توانند در طول زمان در پاسخ به سیاست‌های بنیادی کشورها و عوامل برونزا تغییر کنند.

۱-۲-۲. ارتباط و ویژگی شوک‌ها (تقارن، ارتباط و همبستگی، واقعی یا اسمی بودن، همزمانی یا غیرهمزمانی شوک‌ها)

یکی از مهمترین معیارها برای کشورهایی که قصد تشکیل یک منطقه پولی مشترک را دارند به طبیعت شوک‌ها بر می‌گردد. ماندل (۱۹۶۱) استدلال می‌کند که به‌طور معمول کشورهایی که با شوک‌های متقارنی مواجه هستند باید یک منطقه پولی مشترک را تشکیل دهند. کشورهایی که با شوک‌های نامتقارنی مواجهند نیز می‌توانند برای تشکیل یک منطقه پولی تلاش کنند، به شرط آنکه به میزان کافی از انعطاف‌پذیری قیمت‌ها، تحرک سرمایه و

نیروی کار برخوردار باشند و اطمینان داشته باشند که یک اختلاف دائمی در سطح بیکاری بین آنها وجود ندارد [۲۳].

آل سینا، بارو و تنریو (۲۰۰۲) [۲۴] استدلال می‌کنند که هر چه شوک‌های وارده بر کشورهایی که به طور بالقوه قادر به تشکیل یک منطقه پولی هستند مرتبط‌تر باشند، به همان اندازه اتکاء به لنگر نرخ ارز مشترک مناسب‌تر خواهد بود. جنسن و اسکلدراپ (۲۰۰۱) [۲۵] نشان می‌دهند که همبستگی منفی بین شوک‌ها موضوعیت انتخاب نرخ ارز ثابت را تقویت می‌کند، در حالی که افزایش در انحراف استاندارد شوک‌ها، موضوعیت انتخاب نرخ ارز ثابت را در صورتی که همبستگی شوک‌ها منفی نباشد، تضعیف می‌کند. بویتز (۱۹۹۵) [۲۶] نیز با تمایز بین ویژگی شوک‌هایی که اقتصاد را متاثر می‌کنند، از نقطه‌نظر واقعی یا اسمی نشان می‌دهد که انعطاف‌پذیری نرخ ارز اسمی در تعدیل شوک‌های واقعی اثر معناداری دارد، اما در مورد شوک‌هایی که به بخش مالی وارد می‌شود موضوعیت ندارد [۲۷]. بر اساس مطالعه وی اگر شوک‌های پولی مسلط باشند، یک نرخ ارز ثابت، ثبات بیشتری را فراهم می‌کند و اگر شوک‌ها اساساً واقعی و خارجی باشند، انتخاب یک نرخ ارز شناور ارجحیت دارد.

اگر سیکل‌های تجاری اعضای اتحادیه پولی همزمان باشد، هزینه‌های ناشی از نداشتن یک سیاست پولی مستقل برای مقابله با عوامل اختلال زا، حداقل می‌شود. همزمانی سیکل‌های تجاری یک عنصر مهم در تحقیقات برای مثال درونزا بودن معیارهای منطقه بهینه پولی (فرانکل و رز ۱۹۹۷)، میزان تجارت دو جانبه و همبستگی سیکل‌های تجاری (فرانکل و رز ۱۹۹۶) یکپارچگی پولی به عنوان اثری انضباط آفرین (بوتی و ساردی ۲۰۰۰) [۲۸] و فرضیه تخصصی شدن (کروگمن ۱۹۹۳) [۲۹] می‌باشد.

۱-۲-۳. تفاوت در نهادهای بازار کار

ماندل (۱۹۶۱) نخستین کسی بود که اهمیت تحرک نیروی کار را پذیرفت. اما مساله دیگری نیز وجود دارد که می‌بایستی به حساب آورده می‌شد و آن تفاوت در نهادهای بازار کار است. دیوگراو (۲۰۰۳) نشان داد که سه شکل از تمرکز بازار کار می‌تواند وجود داشته باشد. بازارهای کاری که در آنها

اتحادیه‌های بسیار متمرکز حاکمند، بازارهای کار با سطح معتدل تمرکز اتحادیه‌ها و بازارهای کاری که در آنها اتحادیه‌ها غیرمتمرکزند. برونو و ساکس (۱۹۸۵) [۳۰] نظریه دیوگراو (۲۰۰۳) را به منظور تشخیص تفاوت‌های خاص بازار کار به کار گرفتند. در بازارهایی که اتحادیه‌های متمرکز حاکمند (یعنی جایی که چانه‌زنی روی دستمزدها به صورت متمرکز انجام می‌شود) شوک‌های عرضه به افزایش بیش از حد در دستمزدهای اسمی منجر نخواهد شد، زیرا اتحادیه‌ها می‌دانند که افزایش دادن قابل توجه دستمزدها به تورم بیشتر منجر شده و دستمزدهای حقیقی را به سطوح قبلی آن باز می‌گرداند. همانطور که کالمفرز و دریفیل (۱۹۹۸) [۳۱] نشان می‌دهند نتیجه مشابهی در مورد بازارهای کاری که به شدت غیرمتمرکزند حاصل می‌شود. در بازارهایی که چانه زنی دستمزد در سطح بنگاه و شرکت انجام می‌شود، وقتی شوک عرضه بر کشوری وارد می‌شود، افزایش بیش از حد دستمزد، به طور مستقیم رقابت‌پذیری بنگاه‌های اقتصادی را متاثر می‌کند. بنابر این وقتی یک اتحادیه فشار بیش از حدی روی افزایش دستمزد اعمال می‌کند می‌تواند منجر به بیکاری شود. به این ترتیب در آن بازارها هم احتمالاً اتحادیه‌ها انگیزه‌ای برای تقاضای افزایش قابل توجه دستمزد ندارند، فقط به این دلیل که آنها در بازارهای کاری با اتحادیه‌های متمرکز کار نمی‌کنند. نتیجه آنکه چنین کشورهایی از موقعیت به مراتب بهتری برای مقابله با شوک‌های عرضه برخوردارند. از سوی دیگر بازارهای کاری که اتحادیه‌های آنها تمرکز معتدلی دارند، دستمزدهای اسمی بالاتری را ایجاد می‌کنند و رویکرد متفاوتی نسبت به شوک‌های عرضه وجود دارد. یک نفر در یک اتحادیه منفرد می‌داند که اقدامات خودش را در پیش خواهد گرفت و این اقدامات اثر کمی بر کل تورم دارد، بنابر این چنین شرایطی به آغاز فرایند چانه زنی از سوی آن اتحادیه منجر می‌شود. اما مساله این است که همه اتحادیه‌ها به همین شیوه عمل خواهند کرد و می‌دانند که اگر این کار را نکنند، اعضای خود را با سطح دستمزدهای واقعی پایین‌تر مواجه خواهند کرد. نتیجه این فرایند دستمزدهای اسمی بالاتر و تورم بیشتر است. بنابراین بازارهای کاری که اتحادیه‌های آنها تمرکز معتدلی دارند، دستمزدهای

اسمی بالاتری را ایجاد می‌کنند که از نقطه نظر واقعی همان مقداری است که قبل از افزایش دستمزدهای اسمی وجود داشته است. با توجه به این ملاحظات دی‌گراو (۲۰۰۳) نتیجه گرفت که تفاوت نهادهای بازار کار در کشورها ممکن است موجب شود که برخی از آنها تشکیل یک اتحادیه پولی را با توجه به نهادهای بازار کار خود پرهزینه بیابند.

۴-۲-۱. عوامل سیاسی

برخی از کسانی که بر عوامل سیاسی تأکید دارند ادوارد (۱۹۹۶) [۳۲] و کلینز (۱۹۹۶) [۳۳] هستند. در دولت‌ها این انگیزه وجود دارد که با فریب دادن عوامل اقتصادی، تورم به منظور کاهش بیکاری افزایش یابد. به همین دلیل بعضاً دولت‌ها این انگیزه را دارند که دست خود را از طریق پذیرش دائمی یک رژیم ارزی ثابت ببندند (ادوارد ۱۹۹۶) کلینز (۱۹۹۶) نشان می‌دهد که تعدیل نرخ ارز تحت یک رژیم ارزی شناور برای عوامل خصوصی کمتر قابل مشاهده بوده و از همین رو می‌توان نتیجه گرفت که به لحاظ سیاسی کم‌هزینه‌تر از کاهش ارزش پول ملی تحت یک رژیم نرخ ارز میخکوب شده است. زیرا در دومی ممکن است این اجبار وجود داشته باشد که به منظور پشتیبانی از رژیم نرخ ارز میخکوب شده، اقدامات منجرکننده‌ای به انجام برسد.

۵-۲-۱. معیارهای اضافی

فرانکل (۱۹۹۹) به برخی معیارهای اضافی دیگر که یک کشور باید هنگام پیوستن به یک منطقه پولی مشترک در نظر بگیرد، به شرح زیر اشاره کرده است:

- نیاز شدید به ثبات واردات (هم بخاطر تاریخچه ابر تورم [۳۴] ناشی از فقدان نهادهای عمومی معتبر و هم به خاطر مخاطرات شدید غیرمعمولی که سرمایه‌گذاران بین‌المللی را عصبی می‌کند)،
- تمایل به یکپارچگی بیشتر و نزدیکتر با کشورهای همسایه یا شرکای تجاری،
- داشتن اقتصادی که در آن پول خارجی هم اکنون نیز به‌طور وسیعی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

- دسترسی به سطح مناسبی از ذخایر (حاکم شدن قانون و یک سیستم مالی قوی توأم با نظارت مناسب و منظم)

جدول ۲- معیارهای پیوستن یا تشکیل یک منطقه بهینه پولی در نظریه‌های جدید

معیار	ملاحظات نظری مورد تاکید	نظریه پردازان
میزان تجارت و همبستگی درآمد	- منافع انتخاب یک منطقه مشترک پولی رابطه مثبتی با میزان تجارت و همبستگی درآمد بین کشورها دارد. - اگر کشورها با یکدیگر زیاد تجارت کنند و یا همبستگی درآمد بالایی داشته باشند، احتمالاً آنها تشکیل یک اتحادیه پولی را سودمند خواهند یافت.	فرانکل و رز (۱۹۹۷)
ویژگی شوک‌ها	- هر چه شوک‌ها بین چنین کشورهایی مرتبط‌تر باشند، به همان اندازه سیاستهای انتخاب شده توسط هر یک از اعضای بالقوه از طریق اتکاء به چنین لنگری مناسبتر خواهد بود. - همبستگی منفی بین شوک‌ها موضوعیت انتخاب نرخ ارز ثابت را تقویت می‌کند. - افزایش در انحراف استاندارد شوک‌ها، بدون شک موضوعیت انتخاب نرخ ارز ثابت را تضعیف می‌کند. - انعطاف‌پذیری نرخ ارز اسمی در تعدیل شوک‌های واقعی اثر معناداری دارد، اما در مورد شوک‌هایی که به بخش مالی وارد می‌شود موضوعیت ندارد. - اگر در اقتصادی شوک‌های پولی مسلط باشند، یک نرخ ارز ثابت، ثبات بیشتری را فراهم می‌کند و اگر شوک‌ها اساساً واقعی و خارجی باشند، انتخاب یک نرخ ارز شناور ارجحیت دارد.	بویتر (۱۹۹۵)
تفاوت در نهادهای بازار کار	- در بازارهایی که اتحادیه‌های متمرکز حاکمند یا بشدت غیرمتمرکزند شوک‌های عرضه به افزایش بیش از حد در دستمزدهای اسمی منجر نخواهد شد. - در بازارهای کاری که اتحادیه‌های آنها تمرکز معتدلی دارند، دستمزدهای اسمی بالاتری ایجاد می‌شود.	دیوگراو (۲۰۰۳) برانو و ساکس (۱۹۸۵) کالمفرز و دریفیل (۱۹۹۸)
همزمانی سیکل‌های تجاری	- اگر سیکل‌های تجاری اعضای اتحادیه پولی همزمان باشد، هزینه‌های نداشتن یک سیاست پولی مستقل برای مقابله با عوامل اختلال زاء، حداقل می‌شود.	فرانکل و رز (۱۹۹۷) فرانکل و رز (۱۹۹۶) بوتی و ساردی (۲۰۰۰) کراگمن (۱۹۹۳)
عوامل سیاسی	- در دولت‌ها این انگیزه وجود دارد که با فریب دادن عوامل اقتصادی، تورم به منظور کاهش بیکاری افزایش یابد. - تعدیل نرخ ارز تحت یک رژیم ارزی شناور برای عوامل خصوصی کمتر قابل مشاهده بوده و از همین رو می‌توان نتیجه گرفت که به لحاظ سیاسی کم‌هزینه‌تر از کاهش ارزش پول ملی تحت یک رژیم نرخ ارز می‌خکوب شده است.	کلین (۱۹۹۶) ادوارد (۱۹۹۶)
معیارهای اضافی	معیارهای دیگری که یک کشور باید هنگام پیوستن به یک منطقه پولی مشترک در نظر بگیرد: - نیاز ویژه به ثبات واردات (هم بخاطر تاریخچه ابر تورم ناشی از فقدان نهادهای عمومی معتبر و هم بخاطر مخاطرات شدید غیرمعمولی که سرمایه‌گذاران بین‌المللی را عصبی می‌کند)، - تمایل به یکپارچگی بیشتر و نزدیکتر با کشورهای همسایه یا شرکای تجاری، - داشتن اقتصادی که در آن پول خارجی هم اکنون نیز به طور وسیعی مورد استفاده قرار می‌گیرد، - دسترسی به سطح مناسبی از ذخایر (حاکم شدن قانون و یک سیستم مالی قوی توأم با نظارت مناسب و منظم)	فرانکل (۱۹۹۹)

سیستم خواهند داشت. ثانیاً منطقه پولی مشترک، هزینه مبادلاتی که افراد هنگام نیاز به مبادله ارز جهت انجام تراکنش‌های بین‌المللی متحمل می‌شوند را در بین کشورهای عضو از میان می‌برد. عضویت در یک منطقه پولی مشترک بی‌تردید منافع و هزینه‌هایی را متوجه اعضاء درون اتحادیه خواهد نمود که ارزیابی آن در هر کشوری نسبت به دیگر کشورها متفاوت خواهد بود. همانطور که ایشیاما (۱۹۷۵) می‌گوید در تعیین منطقه بهینه پولی

۲. منافع و مضار پیوستن به یک منطقه پولی مشترک

منطقه پولی مشترک شکلی افراطی از نظام نرخ ارز ثابت است، اما حداقل دو تفاوت عمده با آن دارد. اولاً از آنجا که کشورها پول جدیدی را برای خود بر می‌گزینند، هزینه ترک این سیستم تازه بسیار بیشتر از هزینه کناره‌گیری از یک نظام نرخ ارز ثابت است و بنابراین مردم اطمینان بیشتری از پایداری این

نباید فقط یک معیار مد نظر قرار گیرد، ضمن آنکه این به نفع هر کشوری است که خودش هزینه‌ها و منافع ورود به یک منطقه پولی مشترک را ارزیابی کند. در زیر به برخی از مهمترین منافع و هزینه‌های تشکیل اتحادیه پولی اشاره شده است:

۱-۲. منافع منطقه پولی مشترک

مهمترین منافع تشکیل منطقه پولی مشترک به شرح زیر هستند:

۱-۱-۲. کنترل تورم و ثبات اقتصادی بیشتر

تاو و ویلت (۱۹۷۶) [۳۵] نشان می‌دهند که ورود به منطقه پولی استفاده از سیاست‌های دلخواهی کلان برای حصول تعادل داخلی را محدود می‌کند. این رویکرد به‌ویژه برای دولت‌هایی که به دلیل استفاده افراطی از سیاست‌های پولی انبساطی برای تحریک رشد اقتصادی، کشورهای خود را در معرض تورم قرار داده‌اند حائز اهمیت مضاعف است.

کیدلند و پرسکات (۱۹۹۷) [۳۶] با تأکید بر مبانی نظری "داشتن اختیار [۳۷]" در مقابل "داشتن اعتبار [۳۸]" نشان می‌دهند از آنجا که دولت‌ها برای تورم پایین نیازمند اعتبار هستند و برای تحقق این مهم باید عوامل بخش خصوصی، باور کنند که آنها مجدداً سعی در فریب آنها ندارند، یا باید رژیم نرخ ارز ثابت برخوردار از اعتبار لازم را انتخاب کنند [۳۹] یا به منظور از بین بردن مساله تورش تورمی به یک منطقه پولی مشترک بپیوندند. اگر کشوری قصد داشته باشد که تورم را از بین ببرد، پیوستن به یک منطقه پولی با تورم پایین تر مشکلی از بابت ترجیحات ناشی از تفاوت نرخ تورم در دو کشور را ایجاد نخواهد کرد، زیرا هر دو کشور به طور مشابهی تورم پایین را هدف قرار داده‌اند. همچنین با انتخاب یک پول مشترک، نااطمینانی نرخ ارز کاهش یافته و دامنه سفته بازی روی پول‌های خارجی، یعنی همان اقداماتی که می‌تواند منجر به بی‌ثباتی در بازار ارز شود و تاثیراتی منفی را برای تعادل‌های داخلی و خارجی کشورها در پی داشته باشد، کمتر خواهد شد [۴۰]. بر اساس نظر آبستفلد و راگاف (۱۹۹۶) [۴۱] تشکیل یک منطقه پولی مشترک موجب حفاظت از اقتصاد در مقابل اختلالات پولی و حباب‌های سفته‌بازانه‌ای که ممکن

است به شکلی منجر به نوسانات موقتی و غیرضروری در نرخ ارز حقیقی شوند می‌شود. بخش زیادی از اشتیاق وحدت پولی در اتحادیه اروپا ناشی از این باور بود که نرخ ارز می‌خکوب شده به یورو، منافع کشورهای عضو این اتحادیه را در یک بازار یکپارچه حداکثر می‌کند و تغییرات اغواکننده نرخ ارزی را که موجب تغییر وضعیت رقابتی اعضای اتحادیه اروپا می‌شود، از بین می‌برد. شایان توجه آنکه دقیقاً باورهای شبیه این باور بود که طراحان سیستم برتون وودز را بر آن داشت که خواهان نرخ ارز ثابت باشند [۴۲].

۲-۱-۲. منافع تجاری بنگاه‌های اقتصادی

یک منطقه پولی مشترک هزینه‌های مبادله تجارت بین‌المللی کالاها، خدمات و نیروی کار و سرمایه را به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌دهد [۴۳]. براساس نظر آبستفلد و راگاف (۱۹۹۶) منافع اصلی تشکیل یک منطقه پولی مشترک عموماً ماهیتی تجاری دارند و شامل مواردی چون کاهش هزینه‌های مبادله ناشی از تبدیل پول، کاهش هزینه‌های حسابداری و پیش‌بینی‌پذیرتر شدن قیمت‌های نسبی برای بنگاه‌های تجاری کشورهایی که منطقه پولی را تشکیل می‌دهند خواهد بود.

۳-۱-۲. تخصصی شدن تولید، افزایش یکپارچگی تجاری و همبستگی درآمد

فرانکل و رز (۱۹۹۷) نشان دادند که تجارت فزاینده در منطقه پولی مشترک می‌تواند موجب تخصصی شدن فزاینده صنعتی در مناطق و در مورد کالاهایی شود که مزیت رقابتی دارند، همانطور که فرانکل (۱۹۹۹) می‌گوید وقتی کشورها یکپارچگی تجاریشان را افزایش می‌دهند، اثر تخصصی شدن بیشتر آشکار خواهد شد، بنابراین کشورهای مربوطه در تولید آن کالاهایی که مزیت نسبی دارند تخصص پیدا خواهند کرد. همچنین فرانکل (۱۹۹۹) اشاره می‌کند که به محض اینکه یک کشور به منطقه پولی می‌پیوندد، یکپارچگی تجاری بیشتر در آن منطقه موجب خواهد شد که همبستگی درآمد آن کشور با دیگر کشورهای منطقه پولی افزایش یابد.

۴-۱-۲. افزایش منفعت پول

تاور و ویلت (۱۹۷۶) [۴۴] "پیوستن به یک منطقه پولی عموماً منفعت پول را افزایش می‌دهد، اهمیت چنین ملاحظاتی هر چه اقتصاد کوچکتر باشد بیشتر خواهد بود، اما در مورد اقتصادهایی که بازترند در معرض تردید قرار دارد. از این گذشته اثرات منفعت پول در یک اتحادیه پولی بر کارایی تخصیص منابع و کارکردهای مختلف پول - و منافع آن به عنوان وسیله مبادله، واحد شمارش، ذخیره ارزش و استاندارد پرداخت‌های معوق [۴۵] امری واقعی است. ماندل (۱۹۷۳) نیز عنوان می‌کند که تشکیل منطقه پولی مشترک، تقاضا برای ذخایر بین‌المللی را کاهش خواهد داد و منافع ناشی از ضرب پول را برای کشورهایی که در این منطقه هستند ایجاد خواهد نمود [۴۶]."

۵-۱-۲. منافع سیاسی

دولت‌ها این انگیزه را دارند که با فریب دادن عوامل اقتصادی، تورم را به منظور کاهش بیکاری افزایش دهند، با این حال از آنجا که تعقیب این سیاست به بی‌اعتباری مقامات پولی و حاکمیت تورم بالاتر در همان سطح نرخ بیکاری گذشته منجر می‌شود، این انگیزه در برخی دولت‌ها وجود دارد که دست خود را از طریق پذیرش دائمی یک رژیم ارزی ثابت پندند. ادوارد (۱۹۹۶) و کلینز (۱۹۹۶) نشان داده‌اند که تعدیل نرخ ارز تحت یک رژیم ارزی شناور برای عوامل خصوصی کمتر قابل مشاهده بوده و از همین رو به لحاظ سیاسی کم‌هزینه‌تر از کاهش ارزش پول ملی تحت یک رژیم نرخ ارز میخکوب شده است. زیرا در دومی ممکن است این اجبار وجود داشته باشد که به منظور پشتیبانی از رژیم نرخ ارز میخکوب شده، اقدامات منجرکننده‌ای به انجام برسد.

۲-۲-۲. محدودیت‌های ایجاد منطقه پولی مشترک

مهمترین محدودیت‌های تشکیل منطقه پولی مشترک به شرح زیر هستند:

۱-۲-۲. از دست دادن کنترل مستقیم بر سیاست پولی و

نرخ ارز

با پیوستن به یک منطقه پولی مشترک، مناطق منفرد اتحادیه پولی ناگزیرند که از سیاست پولیشان در پاسخ به اختلالات اقتصاد کلان منطقه خاصی که به آن می‌پیوندند صرف‌نظر کنند [۴۷]. گوردن (۱۹۷۲) استدلال می‌کند که پیوستن به منطقه پولی موجب از دست دادن کنترل مستقیم بر سیاست پولی و نرخ ارز می‌شود. با این حال کالوو و رینهارت (۲۰۰۲) [۴۸] تأکید می‌کنند که اگر کشوری نتواند سیاست‌های پولی را به‌طور مناسبی به کار ببرد، از دست دادن استقلال سیاست پولی هزینه معناداری نخواهد داشت. همچنین آل سینا، بارو و تئیرو (۲۰۰۲) استدلال می‌کنند که هزینه‌های از دست دادن استقلال پولی و اتکای به یک لنگر، به مراتب کمتر از هزینه‌هایی است که اعضای بالقوه یک منطقه پولی در صورت همراهی بالاتر شوک‌ها بین خودشان خواهند پرداخت.

مانگلی (۲۰۰۲) [۴۹] استدلال می‌کند که قضاوت در مورد پیوستن به یک منطقه مشترک پولی از منظر از دست دادن کنترل بر نرخ ارز، وابسته به این خواهد بود که تا چه حد تعدیلات نرخ ارز واقعاً بر محیط اقتصاد موثرند. بدیهی است که اگر تعدیل نرخ اسمی ارز واجد تاثیر شدیدی بر تراز پرداخت‌ها نباشد، هزینه از دست دادن نرخ ارز به عنوان یک مکانیزم تعدیل معنادار نیست. در این رابطه دو دیدگاه مخالف درباره این مساله وجود دارد یک دیدگاه از این ایده پشتیبانی می‌کند که تغییرات نرخ ارز اسمی به بسط تعدیلات تراز خارجی کمک می‌کند [۵۰] و دیدگاه دیگر استدلال می‌کند که این‌طور نیست [۵۱].

۲-۲-۲. تشکیل چرخه‌های ناهماهنگ تجاری و همبستگی

فزاینده میان آنها

فرانکل و رز (۱۹۹۷) نشان می‌دهند که تجارت فزاینده در منطقه پولی مشترک می‌تواند موجب تشکیل چرخه‌های ناهماهنگ تجاری و در نتیجه شوک‌های خاص صنعتی شود. همچنین تجارت فزاینده ممکن است منجر به همبستگی فزاینده میان چرخه تجاری

شود. البته در صورتی که شوک‌های مشترک تقاضا غلبه داشته و یا تجارت درون صنعتی [۵۲] حجم بیشتر تجارت را شامل شود.

۳-۲-۲. عدم امکان تامین مالی تورمی دولت و استفاده از تورم به منظور کاهش بار ارزش حقیقی بدهی‌های دولت
بخش قابل توجهی از کشورهای در حال توسعه در قبال سیاست‌های بودجه‌ای خود در گذشته یا حال با بدهی‌های انباشته قابل توجهی مواجهند که با افزایش تورم ارزش حقیقی آن کاهش می‌یابد. با پیوستن به یک منطقه مشترک پولی، دولت‌ها ناچارند از گزینه استفاده از تورم به منظور کاهش بار ارزش حقیقی بدهی‌های خود صرف‌نظر کنند. اساساً به دلیل ارتباط سیاست‌های مالی و پولی، بقاء یک منطقه مشترک پولی با وضع محدودیت‌هایی در خصوص سقف تورم، نرخ بهره، نسبت کسری بودجه دولت به تولید ناخالص ملی و نسبت بدهی دولت به تولید ناخالص ملی همراه است که دست دولت‌ها را برای اعمال سیاست‌های مالی تورمی به شدت می‌بندد.

۴-۲-۲. سطوح بالاتر تورم در صورت تمرکز معتدل تصمیم‌گیری در اتحادیه‌های کارگری
دی گراو (۲۰۰۳) نشان می‌دهد که در بازارهای کاری که اتحادیه‌های آنها تمرکز معتدلی دارند، از آنجا که یک اتحادیه منفرد اقدامات خودش را در پیش می‌گیرد، این امر به آغاز فرایند چانه زنی از سوی اتحادیه‌ها منجر می‌شود که نتیجه این فرایند دستمزدهای اسمی بالاتر و تورم بیشتر خواهد بود. از این نظر کشورهایی که در آنها اتحادیه‌های کارگری تمرکز معتدلی دارند، ممکن است تشکیل یک منطقه پولی مشترک به دلیل ساختار متفاوت بازار کار سیاستی پر هزینه باشد.

۵-۲-۲. غلبه ملاحظات سیاسی بر اقتصادی و مشکلات گذار در فرایند پیوستن به منطقه پولی مشترک
با وجود آنکه طراحی و اجرای اتحادیه اقتصادی و پولی وابسته به اعمال پیش‌نیازهای صریحی در مورد رفتار و شرایط اقتصادی کشورهای خواهان عضویت است، واقعیات‌های سیاسی ممکن است رهبران سیاسی را نسبت به رعایت این پیش‌نیازها

در چارچوب زمانی تعیین شده مسامحه کار کند. به علاوه در مسیر پیوستن به منطقه پولی و گذار از یک پول منفرد به یک پول مشترک، جلوگیری از حملات سفته‌بازانه از مشکلات اساسی مقامات پولی خواهد بود و مسائل سیاسی و راهبردی در رابطه با اینکه چگونه اعضا، درآمدهای ناشی از حق الضرب را تقسیم کنند نیز از دیگر مشکلات فرایند گذار به حساب می‌آید.

۳. نگاهی به اتحادیه پولی جهان (رویکرد تجربی)

در این بخش روند تشکیل پنج منطقه مشترک پولی در جهان از نقطه نظر معیارهای تشکیل مورد بررسی قرار گرفته است.

۱-۳. اتحادیه پولی اروپا

اتحادیه پولی اروپا را می‌بایست تنها اتحادیه شکل گرفته و فعال در جهان تلقی کرد که بستر تحلیل تجربی منطقه مشترک پولی را فراهم می‌سازد. با این حال تولد و حیات این اتحادیه فرایندی تدریجی بوده و پیش از تشکیل آن زمینه‌های زیادی برای تحقق آن وجود داشته است. برای مثال تمام چهار عضو اتحادیه پولی لاتین [۵۳] (فرانسه، بلژیک، ایتالیا و سوئیس) از سال ۱۸۶۵ میلادی تا زمان جنگ جهانی اول اجازه داشتند که سکه‌هایشان را در کل این اتحادیه به گردش درآورند. لوگزامبورگ از سال ۱۹۹۲ میلادی تا زمان شکل‌گیری اتحادیه بزرگ پولی اروپا از پول مشترکی با همسایه بزرگ‌تر خود یعنی بلژیک استفاده می‌کرد، از این نظر اساساً در اقتصاد بزرگترین کشورهای اروپائی حتی پیش از ایجاد منطقه مشترک پولی، پول خارجی به طور وسیعی در این کشورها مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

از سال‌ها قبل از تشکیل این اتحادیه، تقریباً تمامی کشورهای مذکور عضو "موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت [۵۴]" و بعداً ساختار تکامل یافته آن یعنی "سازمان جهانی تجارت [۵۵]" بودند، از تجارت آزاد و ترتیبات سرمایه‌گذاری خارجی حمایت کرده و از میزان قابل توجهی تجارت متقابل برخوردار بودند، بنابر این سطح بالائی از همبستگی تجارت و

[۵۸] انجام می‌گیرد. یک شورای اداره‌کننده متشکل از نمایندگان از تمامی کشورهای عضو نیز به تصمیم‌گیری راجع به سیاست‌های پولی می‌پردازند [۵۹]. با این حال به جهت طراحی نهاد مالی کارآمد و انتخاب اعضا، اتحادیه پولی اروپا مغلوب ملاحظات سیاسی شد. اساساً جمع‌آوری مالیات‌های مستقیم از شهروندان این حوزه برای تامین یک بودجه بسیار بزرگ متمرکز اروپایی بنا به دلایل فرهنگی، سیاسی و اقتصادی از ابتدا مد نظر قرار نگرفت. همچنین از آنجا که وضعیت اقتصادی کشورهای بنیانگذار این اتحادیه در نقطه شروع شکل‌گیری آن همگن نبود، تحمیل ضوابط مالی عینی سختگیرانه و دقیق برای عضویت در حوزه یورو به دلایل سیاسی غیرممکن بود. بنابر این طراحان حوزه یورو، یک حوزه پولی مشترک را بدون یک مقام مالی مرکزی پر قدرت که بتواند با شوک‌های اقتصادی خاص منطقه‌ای مقابله کند به وجود آوردند. اغماض سیاسی رهبران اروپایی در پذیرش کشورهای همچون یونان و ایتالیا [۶۰] که معیارهای لازم را نداشتند، سبب شده تا امروزه کسری بودجه چین کشورهای به‌عنوان ضعیف‌ترین حلقه یورو برای اتحادیه اروپایی بسیار دردسرساز شود. چنین رویکردی در نهایت موجب بروز بحران مالی در منطقه یورو از سال ۲۰۰۹ میلادی گردید [۶۱].

۲-۳. اتحادیه پولی شرق آسیا [۶۲]

اگرچه ایده تشکیل اتحادیه پولی شرق آسیا از سال ۱۹۸۹ میلادی و به دنبال شکل‌گیری "اجلاس همکاری‌های اقتصادی آسیا و اقیانوسیه" مطرح و تا کنون دنبال گردیده است، اما هنوز تا شکل‌گیری این اتحادیه راه زیادی وجود دارد. از مهمترین زمینه‌های شکل‌گیری این اتحادیه افزایش یکپارچگی و ادغام تجارت و سرمایه‌گذاری، توسعه تجارت درون منطقه‌ای، سرعت تعدیل شوک‌ها و اختلالات متقارن عرضه و تقاضا در بین اغلب کشورهای این منطقه است. ایچن‌گرین و بایومی (۱۹۹۹) [۶۳] با تاکید بر این ملاحظات نشان می‌دهند که کشورهای آسیایی از معیار استاندارد برای ایجاد یک پول مشترک برخوردارند [۶۴]. کواوی و موتونیشی [۶۵] (۲۰۰۵) نیز با تاکید بر افزایش سریع تجارت درون منطقه‌ای [۶۶] کشورهای شرق آسیا به عنوان

درآمد بین این کشورها حتی پیش از تشکیل اتحادیه وجود داشت و زیرساخت‌های ارتباطی و حمل و نقل گسترده موجود بین این کشورها از آن حمایت می‌کرد. پیمان شینگن که از سال ۱۹۸۵ بین کشورهای بلژیک، فرانسه، آلمان غربی، هلند و لوگزامبورک به امضا رسید و به تدریج بقیه کشورهای اروپایی به آن پیوستند، با برداشتن مرز بین این کشورها و امکان مسافرت بدون روادید شهروندان آنها، میزان تحرک عوامل به‌ویژه تحرک نیروی کار را افزایش داده بود. عواملی از این دست در کنار پیوندهای عمیق فرهنگی، اجتماعی و عزم سیاسی دولتمردان کشورهای اروپایی، بستر لازم برای ایجاد یک منطقه پولی مشترک را فراهم ساخت. با توجه به وجود بسترهای مورد نیاز، اهتمام دولتمردان جهت تشکیل اتحادیه به طراحی قواعدی معطوف شد که امکان تشکیل و توسعه اتحادیه پولی را فراهم سازد. از این رو در پیمان ماستریخت در سال ۱۹۹۲ میلادی معیارهای اقتصادی روشنی برای الحاق به اتحادیه پولی اروپا مطرح شد که عدم امکان تامین مالی تورمی دولت‌های عضو و عدم امکان استفاده از تورم به منظور کاهش بار ارزش حقیقی بدهی‌های دولت را موجب شود. در این پیمان سقف تورم در کشورهای عضو ۱/۵ درصد بیش از متوسط تورم در سه کشور با کمترین میزان تورم تعیین شد. سقف نرخ بهره در کشورهای عضو ۲ درصد بالاتر از متوسط نرخ بهره در سه کشور با کمترین نرخ بهره تعیین گردید. نسبت بدهی دولت در هیچ کشوری نباید از ۶۰ درصد تولید ناخالص ملی آن کشور تجاوز می‌کرد و کسری بودجه دولت در هیچیک از این کشورها نباید بیش از ۳ درصد تولید ناخالص ملی آن کشور می‌بود [۵۶]. در سال ۱۹۹۳ میلادی جامعه اقتصادی اروپا بر اساس پیمان ماستریخت به جامعه اروپا تغییر نام داد و در سال ۱۹۹۹ یک ارز واحد به نام "یورو" معرفی گردید. از این نظر اتحادیه پولی اروپا [۵۷] رسماً کار خود را در ۱۹۹۹ آغاز کرد، اگرچه گردش پول جدید آن تا قبل از سال ۲۰۰۲ شروع نشد.

اتحادیه پولی اروپا در طراحی نهادهای پولی با دقت عمل کرد. بانک‌های مرکزی ملی کشورهای عضو در سیستم بانک‌های مرکزی اروپا با یکدیگر ترکیب شدند و از آن زمان تا کنون همه تصمیمات مربوط به عرضه پول تنها توسط بانک مرکزی اروپا

زمینه‌ای برای شکل‌گیری اتحادیه پولی تاکید می‌کنند. در این رابطه صندوق بین‌المللی پول (۲۰۰۷) نشان می‌دهد، در حالی که طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۶ میلادی جریان تجارت در سایر نقاط جهان سه برابر افزایش یافته، طی این دوره جریان تجارت در کشورهای نوظهور آسیایی با سایر کشورها پنج برابر افزایش یافته و در همین زمان جریان تجارت درون منطقه‌ای بین کشورهای نوظهور آسیایی ۸/۵ برابر بیشتر شده است. این در حالی است که تجارت بین کشورهای نوظهور آسیایی از ۳۰ درصد کل صادرات منطقه در سال ۱۹۹۰ میلادی به ۴۰ درصد در سال ۲۰۰۶ میلادی افزایش یافته است [۶۷]. ایچن گرین و بایومی (۱۹۹۹) و گوتو و هامادا [۶۸] (۱۹۹۴) نشان می‌دهند که در آسیا تفاوت زیادی در درجه یکپارچگی بازار نیروی کار وجود دارد. اقتصادهای پیشرفته‌تری نظیر ژاپن و کره تمایل دارند که محدودیت‌های سختی را بر تحرک نیروی کار اعمال کنند. از سوی دیگر کشورهای جنوب شرق آسیا نظیر تایلند، مالزی و سنگاپور در طبقه کشورهای با تحرک زیاد نیروی کار دسته‌بندی می‌شوند. با این حال آنها تاکید می‌کنند که بازار نیروی کار در آسیا، به مراتب انعطاف‌پذیرتر از بازار کار اروپا در اوایل دهه ۱۹۹۰ یعنی زمانی است که فرایند تشکیل اتحادیه اروپا آغاز شد [۶۹]. سونگ و وانگ (۲۰۰۹) با تمرکز بر استفاده از یک پول واحد آسیایی با محوریت چین نشان می‌دهند که کشورهای ژاپن، کره جنوبی، هنگ کنگ، مالزی، فیلیپین، سنگاپور، تایلند، کامبوج و ویتنام، بیشترین همگرایی را با چین دارند و این کشورها بیشترین شباهت را برای عضویت در اتحادیه پولی آسیایی دارا هستند. به رغم این مطالعات که موید آن هستند که این کشورها از برخی از معیارهای استاندارد پول مشترک برخوردارند [۷۰]، برخی مطالعات بر نتایجی خلاف این گواهی می‌دهند، برای مثال نگوین [۷۱] (۲۰۰۷) نشان می‌دهد که کشورهای شرق آسیا از همگرایی کافی برای تشکیل یک اتحادیه پولی برخوردار نبوده و از زمان بحران مالی منطقه در سال ۱۹۹۷ این واگرایی افزایش یافته است. بنابراین وی امکان تشکیل یک اتحادیه پولی در میان کشورهای شرق آسیا را در آینده‌ای نزدیک مورد تردید قرار می‌دهد. یکی از دیگر موانع شکل‌گیری اتحادیه پولی شرق آسیا عدم توافق اعضا در رابطه با چشم‌پوشی

از استقلال سیاست‌های پولی است. در این رابطه ماندل (۲۰۰۱) و ایچ گرین (۲۰۰۶) اشاره می‌کنند که آسیا ممکن است برای یک پول مشترک آماده نباشد، اما برای انتخاب یک پول موازی [۷۲] آماده است [۷۳].

۳-۳. اتحادیه پولی افریقا

سران سازمان وحدت افریقا در نشست ۹ سپتامبر ۱۹۹۹ میلادی با انتشار بیانیه‌ای تصمیم به تاسیس اتحادیه افریقا را اعلام کردند. در سال ۲۰۰۰ میلادی در نشست وزرای امور خارجه کشورهای افریقایی زمانبندی مراحل تاسیس اتحادیه افریقا اعلام گردید. اتحادیه افریقا در نشست سران افریقا در سال ۲۰۰۲ میلادی در شهر دوربان افریقایی جنوبی شروع به کار کرد. اتحادیه افریقا به دنبال تأسیس دیوان حقوق بشر، بانک مرکزی افریقا، صندوق پول افریقا، بانک سرمایه‌گذاری افریقا و جامعه اقتصادی مشترک افریقا تا سال ۲۰۲۳ میلادی می‌باشد.

با این حال در کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد در آوریل ۲۰۱۴ مطرح شد [۷۵] که تحقق منافع تجاری بالقوه در اتحادیه افریقا به‌طور خودکار رخ نخواهد داد و اگر دولت‌های افریقایی برای بهبود زیرساخت‌ها، افزایش ظرفیت‌های تولیدی و افزایش توافقات تجاری منطقه‌ای تلاش‌های جدی انجام ندهند، تشکیل اتحادیه پولی افریقا به افزایش تجارت در افریقا کمکی نخواهد کرد. کشورهای افریقایی از نقطه نظر وسایل ارتباطی و حمل و نقل در وضعیت چندان مطلوبی قرار نداشته و مزایای یازدهی نسبت به مقیاس و کاهش هزینه‌های ارتباطی آنها محدود است. کشورهای افریقایی دارای تخصص‌های سطوح پایینی هستند و به دلیل تولید و تجارت مواد خام، ممکن است دچار مشکلات ناشی از شوک‌های رابطه مبادله گردند. این در حالی است که شوک‌های وارده به این کشورها به دلیل تولیدات متفاوت در کنار وابستگی به تولیداتی خاص، همبسته نبوده و به این ترتیب در روندی هماهنگ با یکدیگر تغییر نمی‌کند. به علاوه ساختار ابزارهای اقتصادی و ابزارهای سیاستی موجود در کشورهای این قاره نیز دورنمای چندان مطلوبی برای تسهیل زمینه‌های تعدیل این شوک‌ها متصور نمی‌نماید. از نقطه نظر

اوگاندا، تانزانیا و رواندا در حال حاضر بودجه شان را به‌طور همزمان در ژوئن هر سال اعلام می‌کنند.

۴-۳. اتحادیه پولی کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی [۸۰]

مطالعات زیادی که به بررسی جذابیت کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی برای داشتن یک اتحادیه پولی پرداخته باشد، وجود ندارد. در میان مطالعات بسیار محدود انجام شده لی [۸۲] (۲۰۱۱) به‌طور تجربی تناسب ۲۴ کشور عضو سازمان همکاری اسلامی را برای ادغام پولی آنها به‌طور بالقوه ارزیابی کرده و بر اساس میزان همگونی آنها در آشفستگی‌های کلان اقتصاد مورد بررسی قرار داده است. او دریافت که در مقایسه با کشورهای حوزه یورو، شوک‌های اساسی ساختاری وارد بر کشورهای عضو همکاری اسلامی ناهمگون‌تر و به‌طور میانگین از ابعاد بزرگتری برخوردارند. نتایج یافته‌های او نشان می‌دهد که تشکیل یک اتحادیه پولی برای تمامی کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی غیرمحمتمل است، اما در بین زیرگروه‌های کشورهای عضو این سازمان، برخی از آنها که شوک‌های عرضه دائمی مشابهی دارند، گزینه‌های مناسبتری برای تشکیل یک اتحادیه پولی هستند. این نتایج نشان می‌دهند که اگر کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی بخواهند به استفاده از پول واحد (مثلاً دینار مبتنی بر طلا که مهاتیر محمد برای اولین بار پیشنهاد کرد) یا هر شکلی از ادغام پولی متعهد شوند، لازم است که پیش از آن اقدامات زیادی انجام شود تا ناهمگونی این کشورها کاهش یافته و همسویی تغییرات ناشی از سیکل‌های تجاری برطرف شود. در این رابطه، افزایش یکپارچگی تجاری درون کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی ممکن است سیکل‌های تجاری بسیار هماهنگ‌تری را ایجاد کند و این کشورها را به گزینه‌های بهتری برای ایجاد اتحادیه پولی تبدیل کند. این امر نشان می‌دهد که کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی می‌توانند به منظور انطباق زمانی سیکل‌های تجاریشان، همکاری‌های اقتصادی‌شان را از طریق تجارت افزایش دهند.

تحرك نیروی کار نیز اگرچه در برخی مناطق افریقا این تحرك آسانتر از اروپا صورت می‌گیرد، اما محدود بوده و از نظر سیاسی نیز حساس است، ضمن آنکه دورنمای مناسبی برای توسعه نقل و انتقالات مالی بین کشورهای افریقایی وجود ندارد [۷۶].

وایو و بویگات (۲۰۰۵) [۷۷] در مطالعه خود نشان داده‌اند که شوک‌های اقتصادی در بین کشورهای افریقایی همبستگی بالایی ندارند و برای تشکیل اتحادیه پولی مناسب نمی‌باشند. اما از بین این کشورها سه منطقه را که می‌توانند از تشکیل اتحادیه پولی منفعت ببرند شناسایی کرده‌اند. این سه منطقه شامل کشورهای جنوب افریقا، کشورهای شرق افریقا و اقتصادهای جزیره‌ای افریقا می‌باشند.

مطالعات تسنگراد و کورشی (۲۰۰۶) [۷۸] نشان می‌دهند که عدم مشابهت قابل ملاحظه‌ای در ویژگی‌های اقتصادی کشورهای واقع در غرب و مرکز افریقا جهت تشکیل یک اتحادیه پولی وجود دارد. این در حالی است که دوروال (۲۰۱۱) [۷۹] نشان می‌دهد که تشکیل اتحادیه پولی در کشورهای شرق افریقا اگر چه به‌طور بالقوه می‌تواند منافع اقتصادی قابل توجهی داشته باشد، اما به دلایل سیاسی پروژه پرخطری است و کلید اجرای موفقیت‌آمیز آن اراده سیاسی میان سیاستگذاران است. وی نتیجه می‌گیرد که در صورت عزم سیاسی کشورهای شرق افریقا جهت تشکیل اتحادیه پولی، این اقدام می‌تواند برای اعضا مفید باشد، زیرا به‌طور مستقیم به بهبود سیاست‌های پولی و به‌طور غیرمستقیم به یکپارچگی اقتصادی این کشورها کمک خواهد کرد [۸۰]. شایان توجه آنکه رهبران پنج کشور کشورهای شرق افریقایی شامل: کنیا، تانزانیا، اوگاندا، رواندا، بروندي در سال ۲۰۱۳ پروتکلی را امضا کردند که زمینه را برای تشکیل یک اتحادیه پولی ظرف ده سال آینده فراهم کرده و تجارت منطقه‌ای را توسعه دهد. این کشورها که پیش از این توافق بازار مشترک و اتحادیه گمرکی را امضا کرده بودند، اعلام کردند که این پروتکل به آنها امکان می‌دهد پول خود را یکی کرده و تجارتشان را افزایش دهند. کشورهای جامعه افریقایی شرقی تا رسیدن به یک پول مشترک، قصد دارند سیاست‌های پولی و مالی خود را هماهنگ کرده و یک بانک مرکزی مشترک ایجاد کنند. کنیا،

شورای همکاری خلیج فارس در ۲۵ می سال ۱۹۸۱ میلادی به منظور تشویق هماهنگی سیاسی، یکپارچگی و اتحاد بین شش کشور بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان و امارات متحده عربی تشکیل شد. این شش کشور قسمتی از کشورهای سازمان همکاری اسلامی هستند و توافقنامه ای را برای اتحادیه اقتصادی و حرکت به سمت تاسیس یک بازار مشترک و اتحادیه پولی در سال ۲۰۰۱ میلادی امضا کردند. شورای همکاری خلیج فارس رویای رسیدن به واحد پول مشترک تا سال ۲۰۱۰ میلادی را در سر می‌پروراند [۸۳].

شورای همکاری خلیج فارس قرار بود بعد از اینکه اتحادیه پولی شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۱۰ میلادی تشکیل شود، میخکوب شدن به سببی از ارزشهای خارجی را مد نظر قرار دهد [۸۴]. این در حالی است که شش پروژه‌ای که در این شش کشور از سال ۲۰۰۱ میلادی دنبال می‌شد، دچار تاخیر و بحث روی مشکلات تکنیکی اجرای آن شده است [۸۵]. روند همگرایی اقتصادی در شورای همکاری به رغم سیاست‌ها و اقدامات اتخاذ شده همچنان کند و آهسته است و موانع مختلف این روند را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در حالی که تجارت داخلی در برخی سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای چون اتحادیه اروپا به حدود ۵۵ درصد می‌رسد، میزان تجارت داخلی بین اعضای شورای همکاری و همچنین جریان سرمایه در بین آنها در حد بسیار پایینی قرار دارد. علاوه بر این ضریب پایین تحرک (نیروی کار، سرمایه و...) در میان کشورهای عضو، تنوع اقتصادی پایین و مکمل نبودن اقتصاد کشورها، سطح پایین تجارت در میان اعضای شورا نسبت به تعاملات تجاری کلی آنها، یکپارچگی پیچیده در سطح اقتصاد کلان، تکیه اقتصاد اعضا به صدور انرژی و واردات کالاهای لوکس، همگرایی کم بازارهای مالی و استراتژی‌ها و سیاست‌های توسعه‌ای ناسازگار در این کشورها چالش‌ها و موانع عمده‌ای را برای همگرایی بیشتر و تشکیل اتحادیه پولی در کشورهای شورای همکاری ایجاد نموده است.

منطقه مشترک پولی

۱-۴. مولفه‌های سیاسی

همانگونه که گفته شد تشکیل یا پیوستن به یک اتحادیه پولی پیش از هر چیز عزم و اقدامی سیاسی است. این در حالی است که ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی در منطقه‌ای قرار دارد که اکثر همسایگانش کشورهای دچار زوال اقتصادی و سیاسی هستند و یا از وابستگی خارجی قابل توجهی برخوردارند [۸۶]. ایران از جنوب با گروهی از کشورهای عربی و نفت‌خیز مجاور است که مهمترین ویژگی سیاسی و امنیتی آنها وابستگی عمیق و ساختاریشان با دنیای غرب و به‌ویژه امریکا بوده و اغلب این کشورها عضو شورای همکاری خلیج فارس هستند که اساساً به منظور محدود کردن دامنه نفوذ سیاسی و اقتصادی ایران در منطقه ایجاد شد [۸۶]. به علاوه در شرایط کنونی با توجه به معادلات قدرت منطقه خاورمیانه نوع کنشگری کشورهای مطرح در ساختار شورای همکاری خلیج فارس و تحولات منطقه در کوتاه مدت بحث پیوستن ایران به شورای همکاری خلیج فارس منتفی به نظر می‌رسد. از سمت غرب ایران با دو کشور ترکیه و عراق همسایه است. ترکیه کشوری است که سالهاست در صدد فراهم نمودن شرایط پیوستن به اتحادیه اروپا می‌باشد و عراق درگیر تنش‌ها و بی‌ثباتی سیاسی است. در شرق ایران نیز کشورهای افغانستان و پاکستان قرار دارند که همواره با بی‌ثباتی سیاسی مواجه بوده اند. همسایگان شمالی ایران کشورهای در حال گذاری هستند که از نظر سیاسی مشکلات به مراتب کمتری جهت تشکیل یک اتحادیه پولی مشترک با ایران را دارند. لذا از منظر سیاسی، در میان مدت ظرفیت‌های محدودی برای توافق سیاسی بین ایران و اغلب کشورهای منطقه جهت تشکیل یک اتحادیه پولی وجود دارد. صرفنظر از زمینه‌های سیاسی، از نقطه نظر شاخص‌های اقتصادی نیز تشکیل یک منطقه پولی مشترک واجد اهمیت است و از این رو در ادامه تصویری از امکان تشکیل یک اتحادیه پولی با کشورهای همسایه بر اساس معیارهایی چون

تحرک عوامل تولید، درجه بازبودن اقتصاد، تنوع محصولات تولیدی، تورم و... ارزیابی شده است.

۴-۲. مولفه‌ها و شاخص‌های اقتصادی

۴-۲-۱. تحرک نیروی کار و سرمایه

تحرک نیروی کار از مهمترین معیارهای تشکیل یک منطقه مشترک پولی است که در مطالعات ماندل (۱۹۶۱) و کوردن (۱۹۷۲) مورد تاکید قرار گرفته است. کنن (۱۹۶۹) نیز بر

موضوع تحرک سرمایه و یکپارچگی بازار مالی به عنوان عاملی برای جلوگیری از آسیب رسانی شوک‌های کشورهای عضو یک منطقه پولی تاکید دارد. مک کینون (۱۹۶۳) و کنن (۱۹۶۹) نیز میزان تحرک جغرافیایی عوامل تولید بین مناطق و صنایع تاکید کرده اند. این در حالی است که ایران از نقطه نظر تحرک نیروی کار و سرمایه از وضعیت مناسبی برخوردار نیست و در مقایسه با قریب به اتفاق کشورهای منطقه وضعیت ضعیف‌تری دارد.

جدول ۳- متوسط شاخص‌های آزادی نیروی کار و آزادی سرمایه‌گذاری در ایران و کشورهای منطقه طی دوره (۱۴-۲۰۰۹)

نام کشورها	شاخص آزادی نیروی کار	شاخص آزادی سرمایه‌گذاری
ج.ا. ایران	۵۰/۲	۰
ارمنستان	۷۴/۱	۷۳/۳
آذربایجان	۸۱/۵	۵۱/۶
گرجستان	۸۷/۷	۷۲/۵
تاجیکستان	۵۴/۵	۲۳/۳
ترکمنستان	۳۰	-
قزاقستان	۸۵/۹	۳۱/۶
قرقیزستان	۸۳/۵	۵۳/۴
ازبکستان	۶۱/۶	-
ترکیه	۴۴/۳	۶۵
عراق	۷۰/۳ [۸۷]	-
پاکستان	۴۸/۹	۳۶/۶
قطر	۷۷/۸	۳۴/۱
عربستان	۷۳/۹	۴۰/۸
سوریه	۵۴/۹	۲۲
کویت	۷۰/۸	۵۴/۱
لبنان	۵۸/۴	۵۴/۱
امارات متحده عربی	۷۷/۸	۳۴/۱

Source: www.heritage.org

نگاهی به متوسط شاخص "تحرک نیروی کار" [۸۹] طی سالهای ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲ به عنوان یکی از اجزای "شاخص آزادی اقتصادی [۹۰]" نشان می‌دهد که ایران حتی از نقطه نظر داخلی به جهت قوانین و مقررات کار از شرایط بسیار سختگیرانه‌تری نسبت به اغلب کشورهای منطقه برخوردار است و از امتیاز پائین

(۵۰/۲) در بین کشورهای منطقه برخوردار است. وضعیتی که تنها از کشور پاکستان بهتر ارزیابی شده است. علاوه بر این به جهت تحرک عامل سرمایه، حسب شاخص "آزادی سرمایه‌گذاری [۹۱]" نیز تحرک سرمایه در ایران تقریباً صفر می‌باشد. با این حال نباید از نظر دور داشت که میزان تحرک عوامل تولید را

نمی‌بایست یک پارامتر تلقی کرد و این امکان وجود دارد که در چارچوب هدف‌گذاری‌های صورت گرفته در ایران جهت بهبود محیط کسب و کار، وضعیت این شاخص‌ها در میان مدت بهبود قابل توجهی بیابد.

بودن اقتصاد [۹۲] ایران و کشورهای منطقه نشان می‌دهد که سهم بخش تجاری ایران نسبت به کل اقتصاد آن بالا نیست. امتیاز ایران در این شاخص ۳۷ است که تنها از پاکستان بهتر است و با دیگر کشورهای منطقه فاصله قابل توجهی دارد.

۲-۲-۴. درجه باز بودن اقتصاد

همانطور که ماندل (۱۹۶۳) تاکید دارد درجه باز بودن اقتصاد یک عامل کلیدی در تشکیل منطقه بهینه پولی است و هر چه اقتصاد بازتر باشد، دلائل بیشتری برای داشتن نرخ ارز ثابت و تشکیل منطقه پولی قابل اقامه است. مقایسه شاخص "درجه باز

مطالعه بیابانی، شایگانی، ندری و عبداللهی آرانسی (۱۳۹۱) [۹۳] نشان می‌دهد که سهم تجارت ایران به تولید ناخالص داخلی (درجه باز بودن) از ۳۲ درصد طی دوره (۹۹-۱۹۹۲) به ۴۱ درصد در دوره (۲۰۱۰-۲۰۰۰) رسیده است.

جدول ۴- متوسط شاخص درجه باز بودن اقتصاد در ایران و کشورهای منطقه در سال ۲۰۱۲ میلادی (درصد)

ج.ا.ایران	ارمنستان	آذربایجان	گرجستان	تاجیکستان	ترکمنستان
۳۷	۶۲/۶	۶۲/۹	-	۷۳/۵	۷۶/۳
قزاقستان	قرقیزستان	ازبکستان	ترکیه	عراق	پاکستان
۶۷/۸	۱۱۲/۳	۴۳/۲	۴۹/۳	-	۲۹/۷
قطر	عربستان	سوریه	کویت	لبنان	امارات متحده عربی
-	۷۳/۸	-	-	۹۲	۱۳۱

Source: world trade organization

۳-۲-۴. تنوع محصولات تولیدی در منطقه

همانطور که کنن (۱۹۶۹) می‌گوید اقتصادهایی که به اندازه کافی از تنوع تولید برخوردارند می‌توانند متحمل هزینه‌های کمی برای رها کردن پول ملی خود شوند و برای تشکیل منطقه بهینه پولی مساعدتر هستند. این در حالی است که محصول عمده

صادراتی ایران، عراق و کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز نفت خام و فرآورده‌های نفتی می‌باشد و همانطور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود دیگر کشورهای منطقه نیز عمدتاً صادرکننده مواد خام و مواد معدنی هستند.

جدول ۵- ترکیب صادرات کالایی کشورهای عضو اکو حسب کالا در سال ۲۰۱۲ میلادی (درصد)

نام محصول	افغانستان	آذربایجان	ایران	قزاقستان	قرقیزستان	پاکستان	تاجیکستان	ترکیه	ترکمنستان	ازبکستان
محصولات کشاورزی	۲۵/۶	۱/۳	۳	۱/۹	۱۳/۲	۱۱/۴	-	۵/۹	-	۱۱/۷
غذا	۲۵/۳	۱/۳	۲/۸	۱/۸	۱۱	۹/۶	-	۵/۷	-	۴/۸
سوخ و مواد معدنی	۰	۴۸/۳	۴۰	۴۵	۱۳/۱	۱/۹	-	۵/۱	-	۳۲/۷
سوخ	۰	۴۷/۴	۳۸/۴	۳۷/۸	۸/۷	۰/۸	-	۲/۸	-	۲۶/۹
محصولات صنعتی	۲۴/۶	۰/۸	۸/۸	۶/۸	۲۶/۷	۴۲/۵	-	۴۰/۸	-	۱۴/۸
آهن و فولاد	۰	۰/۲	۰/۷	۳/۴	۱/۳	۰/۴	-	۵	-	۰
مواد شیمیایی	۰	۰/۴	۴/۶	۲/۱	۱	۲/۱	-	۳	-	۴/۲
مواد داروسازی	۰	۰/۱	۰/۱	۰	۰/۱	۰/۴	-	۰/۳	-	۰
ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل	۰	۰/۱	۰/۸	۰/۸	۱۰/۴	۰/۹	-	۱۴/۲	-	۵
تجهیزات مخابراتی	۰	۰	۰	۰/۲	۰/۱	۰/۱	-	۱	-	۰

نام محصول	افغانستان	آذربایجان	ایران	قزاقستان	قرقیزستان	پاکستان	تاجیکستان	ترکیه	ترکمنستان	ازبکستان
تجهیزات اداری و دفتری	۰	۰	۰	۰/۲	۰	۰	-	۰/۱	-	۰
تجهیزات ارتباطات راه دور	۰	۰	۰	۰/۱	۰	۰/۱	-	۰/۹	-	۰
مدارها و قطعات الکترونیکی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	-	۰	-	۰
محصولات خودرو	۰	۰	۰/۲	۰	۵/۹	۰/۱	-	۵/۶	-	۰
پارچه	۲۴/۶	۰/۱	۰/۵	۰	۰/۷	۲۰	-	۴/۲	-	۰
لیاس	۰	۰	۰	۰	۷/۸	۹/۷	-	۵/۴	-	۰

Source: ECO Statistical Report 2014.

۴-۲-۴. تجارت درون منطقه‌ای و همبستگی درآمد

همانطور که فرانکل و رز (۱۹۹۷) عنوان کرده اند، اگر کشورهای عضو یک منطقه پولی با یکدیگر زیاد تجارت کنند و یا همبستگی درآمد بالایی داشته باشند، احتمالاً آنها تشکیل یک اتحادیه پولی را سودمند خواهند یافت. این در حالی است که سهم تجارت درون منطقه‌ای ایران از کل تجارت کشور بسیار محدود

است. برای مثال تجارت ایران با کشورهای اعضای اکو در سال ۲۰۱۱ فقط ۴/۷ درصد از تجارت کشور را تشکیل می‌دهد. همچنین بیشترین همبستگی درآمد کشور با کشورهای صادرکننده نفت جنوب کشور مشاهده می‌شود که تحت تاثیر قیمت نفت قرار دارد و ارتباطی با تجارت متقابل این کشورها ندارد و عمده صادرات آن به کشورهای صنعتی صورت می‌گیرد [۹۴].

جدول ۵- سهم تجارت درون منطقه، اعضا کونسبت به کل تجارت این کشورها در سال ۲۰۱۱ میلادی (درصد)

نام محصول	افغانستان	آذربایجان	ایران	قزاقستان	قرقیزستان	پاکستان	تاجیکستان	ترکیه	ترکمنستان	ازبکستان
سهم تجارت درون منطقه‌ای	۵۲/۵	۷/۲	۴/۷	۸	۱۸/۲	۶/۸	۳۷/۹	۷/۱	۱۶/۷	۲۳/۶

Source: Eco national statistical offices

۴-۲-۵. تفاوت تورم

همانطور که کوردن (۱۹۷۲) و ایشیاما (۱۹۷۵) عنوان می‌کنند اگر کشورها ترجیحات تورمی متفاوتی داشته باشند، تشکیل منطقه مشترک پولی می‌تواند پرهزینه باشد. این در حالی است که در بین کشورهای منطقه، ترجیحات تورمی متفاوتی مشاهده می‌شود، به طوری که کشورهای ایران، امارات متحده عربی، لبنان،

کویت، عربستان و قطر با تورم کمتر از ۵ درصد و کشورهای چون پاکستان، قرقیزستان و ایران با تورم بالاتر از ۱۰ درصد مواجهند. به علاوه ایران با متوسط نرخ تورم ۲۰/۷ درصد طی این دوره بالاترین نرخ تورم را دارد و این امر می‌تواند به عنوان یکی از عوامل بازدارنده جهت تشکیل یا پیوستن به یک منطقه پولی مشترک ایفای نقش کند.

جدول ۶- متوسط شاخص تورم در ایران و کشورهای منطقه طی دوره (۲۰۰۹ - ۲۰۱۴) میلادی (درصد)

ج.ا.ایران	ارمنستان	آذربایجان	گرجستان	تاجیکستان	ترکمنستان
۲۰/۷	۵/۴	۸	۵/۵	۹/۹	۹/۹
قزاقستان	قرقیزستان	ازبکستان	ترکیه	عراق	پاکستان
۸/۷	۱۰/۱	-	۸/۳	-	۱۱/۵
قطر	عربستان	سوریه	کویت	لبنان	امارات متحده عربی
۵	۴/۸	۱۰/۷	۴/۸	۲/۵	۲/۸

Source: world bank

۴-۲-۶. همبستگی شوک‌ها و همزمانی سیکل‌های تجاری

انتظار می‌رود که عامل قیمت نفت حائز تاثیر جدی بر همزمانی شوک‌ها بین ایران و دیگر کشورهای صادرکننده نفت حوزه خلیج فارس باشد. بیابانی، شایگانی، ندروی و عبداللهی آرانی (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای که انجام داده‌اند از ضریب همبستگی متقاطع GDP واقعی برای بررسی همزمانی سیکل‌های تجاری استفاده کرده‌اند. نتایج مطالعه آنها نشان می‌دهد کشورهای عضو اکو بجز پاکستان و ترکمنستان طی دوره (۱۹۹۲-۱۹۹۹) همبستگی خوبی در متغیر GDP واقعی دارند همچنین همزمانی مناسبی میان کشورهای اکو برقرار است زیرا تمامی ضرایب به‌دست آمده در نزدیکی یکدیگر قرار دارند، این در حالی است که در دوره (۲۰۱۰-۲۰۰۰) ضریب همبستگی متقاطع برای اغلب کشورها کاهش یافته است.

جمع‌بندی و ملاحظات

مطالعه انجام شده نشان می‌دهد که اگر چه بخش عمده‌ای از محرک‌های تشکیل یک منطقه پولی مشترک، سیاسی هستند، با این حال عوامل اقتصادی حائز اهمیتی در فرایند تشکیل و ادامه حیات یک منطقه پولی مشترک ایفای نقش کرده و می‌کنند. بنابر این به جهت نظری، اگر کشورهائی که به‌طور بالقوه قادر به تشکیل یک منطقه مشترک پولی هستند، از تحرک نیروی کار، انعطاف‌پذیری کافی دستمزد و قیمت، درجه بالائی از باز بودن اقتصاد و نرخ‌های مشابه تورم برخوردار بوده و عزم سیاسی به رها کردن پول خود و انتخاب پول جدید داشته باشند، اتخاذ یک سیاست پولی مشترک می‌تواند برای همه اعضا مفید بوده و با تشکیل یک منطقه مشترک پولی، سودمندی تعدیلات نرخ اسمی ارز که تا قبل از آن بین اعضا صورت می‌گرفته کاهش یابد.

اساسا، مهمترین دلایل اقبال به تشکیل یک اتحادیه پولی، امکان بیشتر کنترل تورم و تامین ثبات اقتصادی، افزایش منافع تجاری، تخصصی شدن تولید، افزایش یکپارچگی تجاری، افزایش همبستگی درآمد، افزایش منفعت پول و برخی منافع سیاسی هستند. این در حالی است که پیوستن به یک منطقه

مشترک پولی با محدودیت‌هائی چون از دست دادن کنترل مستقیم دولت بر سیاست پولی و نرخ ارز، تشکیل چرخه‌های ناهماهنگ تجاری و همبستگی آن با کشورهای عضو، عدم امکان استفاده از تورم به منظور کاهش بار ارزش حقیقی بدهی‌های دولت، سطوح بالاتر تورم در صورت تمرکز معتدل تصمیم‌گیری در اتحادیه‌های کارگری و غلبه احتمالی ملاحظات سیاسی بر اقتصادی همراه است. ضمن آنکه در فرایند پیوستن به منطقه پولی مشترک مشکلات عدیده‌ای چون غلبه بر حملات سفته‌بازانه بازار ارز و مشکلات سیاسی و راهبردی در رابطه با اینکه چگونه اعضاء درآمدهای ناشی از حق الضرب را تقسیم کنند، وجود خواهد داشت.

بررسی تجربه برخی اتحادیه‌های پولی نیز نشان می‌دهد که به جهت تجربی زمینه‌های اقتصادی چون میزان یکپارچگی و ادغام تجارت و سرمایه‌گذاری و سطح تجارت درون منطقه‌ای، میزان تحرک نیروی کار، وسعت استفاده از پول‌های خارجی در کشورهای عضو، دامنه زیرساخت‌های ارتباطی و حمل و نقل منطقه‌ای، مناسب بودن ویژگی شوک‌ها و ... عوامل تسهیل‌کننده‌ای به حساب می‌آیند که پیش از تشکیل منطقه پولی مشترک می‌توانند مقامات سیاسی را نسبت به تشکیل منطقه پولی مشترک متقاعد سازند. با این حال عواملی چون فقدان عزم سیاسی در بدو امر، غلبه ملاحظات سیاسی بر ملاحظات اقتصادی در فرایند انتخاب اعضا، عدم امکان تحمیل ضوابط مالی عینی و دقیق جهت ممانعت از تامین مالی تورمی دولت‌ها، فقدان مقام مالی مرکزی پر قدرتی که بتواند با شوک‌های اقتصادی خاص منطقه‌ای مقابله کند و کاستی‌های زیرساختی می‌توانند تشکیل یا ادامه حیات یک منطقه مشترک پولی را متوقف یا با مشکلات جدی مواجه سازند.

از نقطه نظر عضویت در یک منطقه پولی مشترک با همسایگان نیز در حال حاضر ایران به جهت مولفه‌ها و شاخص‌های اقتصادی مورد نیاز نظیر میزان تحرک نیروی کار و سرمایه، درجه باز بودن اقتصاد، تنوع محصولات منطقه، میزان تجارت درون منطقه‌ای، میزان همبستگی درآمد، تفاوت تورم، همبستگی شوک‌ها و همزمانی سیکل‌های تجاری از وضعیت

مناسبی برخوردار نیست. بنابر این با توجه به تجربه دیگر اتحادیه‌های پولی جهان، حتی در صورت به‌وجود آمدن عزم سیاسی در ایران و دیگر کشورهای منطقه برای تشکیل آن، ضعف الزامات اقتصادی در کنار احتمال غلبه ملاحظات سیاسی بر ملاحظات اقتصادی می‌تواند ادامه حیات چنین منطقه پولی مشترکی را متوقف یا با مشکلات جدی عده‌ای مواجه سازد.

پی‌نوشت

1. Michel Camdessus.
۲. وینستون چرچیل، نخست وزیر انگلستان، بعد از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۶ در سخنرانی تاریخی خود در زوریخ بر لزوم تشکیل نهادهای فراکشوری و قانونگذاری در اروپا تأکید کرده و گفته بود که «زمان تشکیل یک خانواده گسترده اروپایی فرا رسیده است. ما باید کاری کنیم که مردم اروپا تا آنجا که ممکن است در این چارچوب با آزادی و صلح و امنیت در کنار هم زندگی کنند». تلاش برای تشکیل دیگر اتحادیه‌های پولی شرق آسیا، برخی کشورهای افریقایی و کشورهای اسلامی نیز نشان می‌دهد که همچنان عزم سیاسی کشورها برای تشکیل چنین اتحادیه‌هایی نقش قابل توجهی در مسیر ایجاد یا ادامه فعالیت آنها بازی می‌کند.
3. Optimum Currency Areas (OCA).
4. Mundell (1957).
۵. مباحث بیشتر در مورد تحرک نیروی کار را می‌توانید در این نمونه‌ها ببینید: لانی (۱۹۶۹)، گروبل (۱۹۷۰)، گی ارسچ (۱۹۷۳) و تاور و ویلت (۱۹۷۶).
۶. در دنیای واقعی اغلب مشکل تفاوت زبانها و فرهنگها وجود دارد. به این ترتیب حتی اگر محدودیت‌های مربوط به تحرک نیروی کار حذف شود، مشکلات ذکر شده ممکن است امکان ادغام بیشتر را کاهش دهند.
7. McKinnon (1963).
8. Tanja Broz, Assistant, The Theory of Optimum Currency Areas A Literature Review The Institute of Economics, Zagreb (2005) P56.
9. Ibid
10. Kenen (1969).
11. Ibid.

۱۲. هرچه اقتصاد کوچکتر باشد احتمال باز بودنش بیشتر است، برای یک اقتصاد کوچک تولید همه نیازهایش اغلب ناکاراست پس برای این کشور ارتباط با تجارت خارجی و تولید کالاهایی که در آن مزیت نسبی دارد منافع بیشتری دارد. از سوی دیگر یک اقتصاد بزرگ خودکفاتر است و معمولاً تنها بخش کوچتری از تولید ناخالص داخلی‌اش با تجارت خارجی مرتبط است. به این ترتیب تغییرات نرخ ارز تنها بخش کوچتری از اقتصادش را متأثر می‌کند.

13. Ibid P57.
۱۴. مک کینون همچنین بر تحرک شغلی تأکید می‌کند.
15. Gordon (1972).
۱۶. همچنین گی ارسچ (۱۹۷۳) و دی گراو (۱۹۷۵) را ببینید.
17. Ishima (1975).
18. Ibid P60.
19. Inter-Industrial
(مقصود از تجارت میان صنعتی، تجارت بین صنایع و رشته‌های مختلف صنعتی است.)
۲۰. همانطور که تاواس (۱۹۹۳) می‌گوید: نظریه منطقه بهینه پولی مربوط به گذشته است. مقاله تاواس همچنین یکی از تاثیرگذارترین مقالات تحقیقاتی در زمینه نظریه منطقه بهینه پولی می‌باشد.
21. De Grauwe.
22. Frankle & Rose (1997).
23. Policy Research Institute, Ministry of Finance, Japan, Public Review, Vol 6 No.5. June 2010, P 876.
24. Alesina, Barro & Tenreyro (2002).
25. Beger, Jensen & Schjelderup (2001).
26. Buitter (1995).
۲۷. در واقع این مورد انعطاف‌پذیری نرخ ارز نامطلوب است.
28. Buti & Suardy (2000).
29. Krugman (1993).
30. Bruno & Sechs (1985).
31. Calmfors & Driffil (1988).
32. Edward (1996).
33. Collins (1996).
34. Hyper Inflation.
35. Tower & Willett (1976).
36. Kydland & Prescott (1997).

52. Intra-Industrial.

(مقصود از تجارت درون صنعتی تجارت میان صنایعی است که کالاهای مشابهی تولید می‌نمایند)

۵۳. اتحادیه پولی لاتین در ۲۳ دسامبر ۱۸۶۵ و با چهار کشور فرانسه، بلژیک ایتالیا و سوئیس تشکیل گردید. این کشورها تلاش کردند چندین پول اروپایی را به یک پول واحد که بین اعضا قابل استفاده باشد، تبدیل کنند. این کشورها سیستم استاندارد بر پایه طلا و نقره (با نسبت ۱۵/۵ به ۱ طلا به نقره) را مبنای ارزش یک واحد فرانک قرار دادند. بدین ترتیب یک فرانک اتحادیه پولی لاتین معادل ۴/۵ گرم نقره و یا ۰/۲۹ از طلا بود. اتحادیه پولی لاتین در سال ۱۹۱۴ و همزمان با جنگ جهانی اول از بین رفت.

54. GATT.

55. WTO.

۵۶. به رغم وضع این محدودیت‌ها در ماده C104 پیمان ماستریخت آمده است که کشورهای عضو می‌توانند از هدف بدهی ناخالص ۶۰ درصد تجاوز کنند، به شرط آنکه این نسبت به قدر کافی در حال کاهش بوده و با یک سرعت قابل قبول به مرجع نزدیک شود. همچنین کشورها می‌توانند از هدف کسری سه درصدی تجاوز کنند، اگر این نسبت به شکل قابل توجه و مستمر کاهش یافته و به سطحی نزدیک به مقدار مرجع نزدیک شده باشد. یا مازاد بر مقدار مرجع استثنا و موقتی بوده و این نسبت نزدیک به مقدار مرجع باقی بماند. بنابراین تصمیم‌گیری در مورد اینکه کدام کشور عضو اتحادیه اروپا شود بیش از آنکه وابسته به قدرت و ضعف اقتصادی آن کشور باشد، وابسته به اراده و ملاحظات سیاسی بود.

57. EMU.

58. ECB.

۵۹. در منشور بانک مرکزی اروپا آمده است که هدف عمده این بانک، کنترل تورم است، نه ایجاد تعادل در چرخه کسب و کار.
۶۰. ایتالیا به عنوان سومین اقتصاد بزرگ در قاره اروپا عضو اتحادیه شد، این در حالی است که بدهی ناخالص دولت ایتالیا در سالهای ۹۸-۱۹۹۷ تقریباً دو برابر مقدار مرجع بود.

37. Discretion.

38. Credibility.

۳۹. اگرچه فردی می‌تواند ادعا کند که از آنجا که نرخ ارز برای همیشه ثابت نیست، بانکهای مرکزی نمی‌توانند از اعتبار کامل برخوردار باشند. آل سینا، بارو و تنریرو (۲۰۰۲) اشاره کردند که نرخ ارز ثابت می‌تواند در بازارهای مالی بی‌ثباتی ایجاد کند و از آنجا که پیوستن به یک اتحادیه پولی برای بانک مرکزی به مراتب هزینه‌برتر از پایداری به حفظ نرخ ارز وعده داده شده است، تعدیل پولی گزینه به مراتب قابل قبول‌تری به حساب می‌آید.

40. Policy Research Institute, Ministry of Finance, Japan, Public Review, Vol 6 No.5. June 2010, PP 875-876.

41. Obstfeld & Rogoff (1996).

42. Ishfaq, Mohammad (2010), P15.

43. Policy Research Institute, Ministry of Finance, Japan, Public Review, Vol 6 No.5. June 2010, P 876.

44. Tower & Willett (1976).

45. Tanja Broz, Assistant, The Theory of Optimum Currency Areas A Literature Review *The Institute of Economics, Zagreb* (2005) P61.

46. Ibid 60.

۴۷. هر دولت ملی، دارای مقامات تصمیم‌گیر واحد برای سیاست‌های پولی و مالی و نیز نظارت بر نظام مالی است. این در حالی است که در اتحادیه پولی، در حوزه سیاست‌های پولی مقام تصمیم‌گیر واحدی وجود خواهد داشت، در حالی که سیاست‌های بودجه‌ای و نظارت بر نظام مالی همچنان در حوزه عمل دولت‌های ملی باقی خواهد ماند. برای مثال در کشورهای حوزه یورو فقدان نهاد نظارت مرکزی بر نظام مالی، باعث ایجاد تردید در توانایی اعضای ضعیف‌تر برای نجات بانک‌هایشان شده است.

48. Calvo Reinhart (2002).

49. Mongelly (2002).

۵۰. برای مثال دی گراو (۲۰۰۳) ساکس و ویلیز (۲۰۰۳) و گاش و همکاران (۱۹۹۷) (اگرچه آنها فقط نتایج مثبتی در مورد تورم گرفته‌اند).

۵۱. برای مثال کروگمن (۱۹۹۳).

- Item 2 of the provisional agenda Activities undertaken by UNCTAD in support of Africa.
۷۶. آیا امکان برقراری پول واحد برای افریقا وجود دارد؟ تازه‌های اقتصاد، آذر ۱۳۸۴، شماره ۱۰۹.
77. Buigut, Steven & Neven T. Valev "Eastern & Southern Africa monetary integration A structural vector auto regression analysis" Georgia State University (2005).
۷۸. بیابانی، جهانگیر. شایگانی، بیتا. ندری، کامران. "امکان سنجی نظریه منطقه بهینه پولی برای کشورهای سازمان همکاری اقتصادی (اکو): الگوریتم خوشه‌بندی فازی نسبت به مرکز. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاستهای اقتصادی، سال بیستم، شماره ۶۲، تابستان ۱۳۹۱.
79. Durevall, Dick "East African community: pre-conditions for an effective monetary union" department of economics university of Gothenburg. Working papers in economics No 520).
80. Durevall, Dick (2011) "East African Community: Pre- Conditions for a monetary union" Department of Economics, University of Gothenburg and Gothenburg Centre of Globalization and Development.
81. Organization of Islamic Cooperation Statistical, Economic and Social Research And Training Centre For Islamic Countries, OIC Outlook Series, February 2012.
82. Lee (2011).
۸۳. عمان در دسامبر ۲۰۰۶ میلادی از برنامه‌هایش برای شرکت در اتحادیه پولی خلیج فارس انصراف داد. این حرکت توسط امارات متحده عربی که خود را از برنامه‌های اتحادیه پولی خلیج فارس در می‌سال ۲۰۰۹ میلادی خارج کرد نیز دنبال شد. (بنظر می‌رسد این اقدام با تصمیم در مورد این که شورای پول در ریاض پایتخت عربستان قرار گیرد، ارتباط داشته باشد.) در حال حاضر به نظر می‌رسد که ۴ کشور باقیمانده به پیروی از یک پول واحد متعهد شده اند.
84. Setser, Brad (2007). The case for exchange rate flexibility in oil- exporting economies, Policy Brief, Peterson Institute for international economics, PB07-8. P12.
۶۱. در سال ۲۰۱۰، میانگین کسر بودجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا به بیش از ۶ و نیم درصد رسید که بالاتر از دو برابر حد مجاز تعیین شده در پیمان ماستریخت، بود.
۶۲. مترجم: سهیل ایلداری، محقق اداره روابط عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مجله روند بهار و تابستان ۱۳۸۳، شماره ۴۰ و ۴۱.
63. Eichengreen & Bayoumi (1999).
64. Policy Research Institute, Ministry of Finance, Japan, Public Review, Vol 6 No.5. June 2010, P 876.
65. Kawai & Motonishi (2005).
66. Ibid.
67. Ibid.
68. Goto & Hamada.
69. Policy Research Institute, Ministry of Finance, Japan, Public Review, Vol 6 No.5. June 2010, P 876.
70. Ibid P 877.
۷۱. بیابانی، جهانگیر. شایگانی، بیتا. ندری، کامران. "امکان سنجی نظریه منطقه بهینه پولی برای کشورهای سازمان همکاری اقتصادی (اکو): الگوریتم خوشه‌بندی فازی نسبت به مرکز. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاستهای اقتصادی، سال بیستم، شماره ۶۲، تابستان ۱۳۹۱.
۷۲. پول مشترک به توافقی اشاره می‌کند که در آن کشورهای شرکت‌کننده از تسلط و حاکمیت خود بر خلق پول و سیاستهای پولی چشم‌پوشی می‌کنند. این در حالی است که تحت شرایط پول موازی، کشورهای عضو، کنترل بر پول و سیاستهای پولی خودشان را حفظ می‌کنند و موافقت می‌کنند که در خلق یک پول مشترک بر اساس قواعد از پیش تعیین شده‌ای که از سوی اعضاء مورد توافق قرار می‌گیرد، مشارکت کنند.
73. Policy Research Institute, Ministry of Finance, Japan, Public Review, Vol 6 No.5. June 2010, P 877.
74. Reserve currency p.
75. Trade and Development Board Fifty-ninth executive session Geneva, 23-25 June 2014

۹۲. شاخص درجه باز بودن اقتصاد شاخصی است که سهم صادرات و واردات کشورها از تولید ناخالص داخلی شان را نشان می‌دهد.

۹۳. بیابانی، جهانگیر. شایگانی، بیتا. ندری، کامران. عبداللهی آرانی، مصعب (۱۳۹۱) «امکان سنجی نظریه منطقه بهینه پولی (OCA) برای کشورهای سازمان همکاری اقتصادی اکو: الگوریتم خوشه‌بندی فازی نسبت به مرکز» فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی، سال بیستم، شماره ۶۲، تابستان ۱۳۹۱، ص ۷۸-۳۹.

۹۴. شایان توجه آنکه اگر چه میزان تجارت ایران با کشور امارات متحده عربی قابل توجه است، با این حال این امر نیز نه به اتکای ظرفیت‌های تولیدی آن کشور، بلکه بواسطه حجم بالای صادرات مجدد آن کشور صورت می‌گیرد.

منابع

ابراهیمی، ایلناز. «بحران یورو، ریشه‌های پیدایش و سناریوهای آینده». تازه‌های اقتصاد، بهار ۱۳۹۱، شماره ۱۳۵. اختیاری، سارا. «جایگاه ایران در شاخص آزادی اقتصادی سال ۲۰۱۴ میلادی». دفتر پایش و بهبود محیط کسب و کار معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۹۲. بیابانی، جهانگیر، شایگانی، بیتا و کامران ندری. «امکان‌سنجی نظریه منطقه بهینه پولی برای کشورهای سازمان همکاری اقتصادی (اکو): الگوریتم خوشه‌بندی فازی نسبت به مرکز». فصلنامه پژوهش‌ها و سیاستهای اقتصادی، سال بیستم، شماره ۶۲، تابستان ۱۳۹۱، ص ۷۸-۳۹. سریع‌القلم، محمود. سیاست جمهوری اسلامی ایران، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۰. سید علی اکبر، شکوه. «اتحادیه پولی اروپا: موفقیت‌های گذشته و مشکلات جاری». ماهنامه بررسی مسائل و سیاستهای اقتصادی، شماره ۱، فروردین ۱۳۹۱. همگرایی اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس ابعاد و چالشها، مرکز مطالعات خلیج فارس موسسه مطالعات ژئوپلیتیک، استراتژیک، تاریخ و جغرافیای خلیج فارس.

85. Organization of Islamic Cooperation Statistical, Economic and Social Research And Training Centre For Islamic Countries, OIC Outlook Series, February 2012.

۸۶. سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۰) سیاست جمهوری اسلامی ایران، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک صص ۳۹-۳۸.

۸۷. همان.

۸۸. داده‌های فقط مربوط به سالهای ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ می‌باشد.

۸۹. این شاخص جوانب مختلف چارچوب قانونی بازار کار کشورها را مورد توجه قرار می‌دهد. منبع اصلی داده برای محاسبه، شاخص سهولت کسب و کار بانک جهانی و روش محاسبه همانند شاخص آزادی کسب و کار می‌باشد. برای محاسبه این شاخص از متغیرهایی همچون نسبت حداقل دستمزد به میانگین ارزش افزوده هر کارگر، میزان نامناسب بودن ساعات کار، میزان سختی اخراج کارگر اضافی و وجوه پرداختی بابت انفصال از خدمت استفاده می‌شود.

۹۰. بنیاد هریتیج از سال ۱۹۹۵ تاکنون شاخص آزادی اقتصادی و اجزای آن را محاسبه و گزارش می‌نماید. شاخص آزادی اقتصادی توسط بنیاد هریتیج و براساس شاخصهای بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و واحد اطلاعات اقتصادی اکونومیست محاسبه می‌شود و در آن کشوری که شاخص آزادی آن نزدیک به ۱۰۰ باشد دارای وضعیت مناسبتری است. برای اندازه‌گیری آزادی اقتصادی از ده شاخص استفاده می‌شود که شامل: حقوق مالکیت، آزادی از فساد، آزادی مالیاتی، مخارج دولت، آزادی پولی، آزادی کسب و کار، آزادی تجاری، آزادی سرمایه‌گذاری و آزادی تأمین مالی می‌باشند.

۹۱. این شاخص سیاست‌های دولت‌ها را در رابطه با ورود جریان سرمایه به کشور مورد توجه قرار می‌دهد. کشوری که سرمایه‌گذاری در آن با حداقل محدودیت‌های قانونی و بوروکراتیک امکان‌پذیر باشد و ورود و خروج سرمایه‌ها در عرصه‌های بین‌المللی بدون محدودیت و به آسانی امکان‌پذیر باشد می‌تواند امتیاز مناسبی برای این شاخص به خود اختصاص دهد.

- UAE. Department of finance, Government of Dubai, 2010.
- Organization of Islamic Cooperation Statistical, Economic and Social Research And Training Centre For Islamic Countries, OIC Outlook Series, February 2012.
- Policy Research Institute, Ministry of Finance, Japan, Public Review, Vol 6No.5, June 2010.
- Setser, Brad. The case for exchange rate flexibility in oil- exporting economies, Policy Brief, Peterson Institute for International Economics, 2007.
- Tanja, Broz “The theory of optimum currency areas, A literature review” *Zagreb*, 2005.
- www.Worldtradeorganization.org
- www.Worldbank.org
- www.heritage.org
- Buigut, Steven & Neven T.Valev “Eastern & southern Africa monetary integration A structural vector auto regression analysis” Georgia state university, 2005.
- Debrun, Xavier, R- Masson, Paul & Catherine Pattillo “Should African Monetary Unions be Expanded? An empirical investigation of the scope for monetary integration in sub- Saharan Africa”. International Monetary Fund, 2010.
- Durevall, Dick “East Afrfrican community:pre-conditions for an effective monetary union” department of economics university of Gothenburg. Working papers in economics No 520.
- ECO Statistical Report 2014 ”Eco Trade”, April 2014.
- Ishfaq, Mohammad. Overview of different exchange rate regimes and preferred choice for

